

STEM، ساختن معنای تدریس

زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی جُبعی (۹۱۱-۹۵۵ یا ۹۶۵ق) معروف به شهید ثانی، فقیه شیعی قرن دهم قمری، از نوادگان علامه جلی است. در ۱۳ شوال ۹۱۱ قمری در روستای جُبع در منطقه‌ی شیعه‌نشین جبل عامل در لبنان به دنیا آمد. شهید ثانی مذاهب پنج‌گانه‌ی اسلامی را تدریس می‌کرد و طبق مبانی هر یک فتوا می‌داد. او یکی از دانشمندان بزرگ شیعه است که دست به تألیف مهمی در درایة الحدیث زده است. وی معروف به ابن حاحه‌ی نحاری و مشهور به شهید ثانی است.

شهید ثانی

قوام پایداری دین در تعلیم و تربیت

اثر معروف: کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید»، این کتاب در آموزش و تربیت فوق‌العاده مفید است و آرای تربیتی شهید ثانی را دربردارد. در آداب دینی و اخلاقی تعلیم و تعلم و قاضی و مفتی و افتاست و بخشی نیز به آداب و وظایف معلم و شاگرد می‌پردازد. شهید ثانی در ۲۰ ربیع‌الاول ۹۵۴ قمری آن را به پایان رساند. این کتاب بارها در ایران و هند و نجف به طبع رسیده است.

شهید ثانی در این کتاب نظرات تربیتی خود را ارائه کرده و در بخش‌هایی به بیان وظایف معلم و شاگرد و فضیلت علم و دانش و دانشمندان از دیدگاه‌های گوناگون پرداخته است. آداب و آیین نگارش و نگاهداری کتاب که ابزار علم و دانش است نیز در آن آمده است.

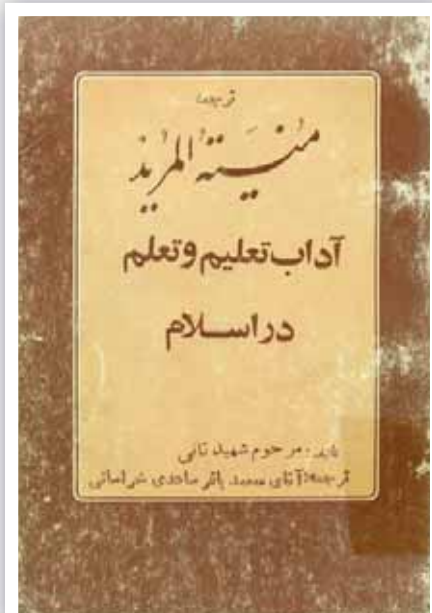
شهید ثانی در کتاب منیة المرید معتقد است: «تعلیم اساس و بنیادی است که قوام و پایداری دین و آیین بر آن استوار شده است. جامعه‌ی بشری از طریق تعلیم می‌تواند از کساد و افول خورشید علم و نابودی کالا و سرمایه‌های علمی پیشگیری کند. بنابراین، تعلیم، یعنی انتقال اندوخته‌های علمی به دیگران، از مهم‌ترین عبادات و مؤکدترین واجبات کفایی است.»

منابع

۱. تهرانی، آقابزرگ. الذریعه الی تصانیف الشیعه. دارالاضواء. بیروت. ۱۴۰۳.
۲. زرکلی، خیرالدین بن محمود. الاعلام. دارالعلم للملایین. بیروت. چاپ پانزدهم. ۲۰۰۲.
۳. شکوری، ابوالفضل. «زندگی نامه خودنوشت شهید ثانی». یاد. پاییز ۱۳۶۵. ش ۴.
۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی. منیة المرید. تحقیق رضا مختاری. مکتب الإعلام الإسلامی. قم. ۱۴۰۹.

تحصیلات

در نه سالگی (۹۲۰ق) قرآن را ختم کرد. در ۳۳ سالگی، یعنی سال ۹۴۴ قمری، به اجتهاد دست یافت. این موضوع در سال ۹۴۸ بر همگان آشکار شد.



آموزشی ابتداری

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای
آموزگار ان، دانشجوی معلمان دانشگاه‌های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و سوم - مهرماه ۱۳۹۸ - شماره‌ی پیاپی ۱۸۲ - ۴۸ صفحه - ۲۶۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



اللهم صلی علی محمد و آل محمد (ص)



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

یادداشت سردبیر - نوشتن / ۲

گفت و گو: کام اول - پیش‌نیاز معلّمی؛ کودک‌شناسی / الهام فراستی / ۴

برنامه‌ی درسی - ریاضی / تبدیل‌های هندسی: انتقال در صفحه / سپیده چمن‌آرا / ۷

نوشتن - مهارت‌ها / پرورش مهارت نوشتن در دانش‌آموزان / فیروزه فروزبخش / ۱۲

انسان‌نویسی / انسان‌نویسی و فعالیت‌هایی برای تقویت آن / حسین حسینی‌نژاد / ۱۴

تجربه / از مرثیه تا مجله / زهرا بلیوند / ۱۶

ادبیات - قند و پند پارسی / جعفر ربانی / ۱۷

مدرسه‌شناسی - به کدام مدرسه می‌رویم؟ / کبری محمودی / ۲۰

گزارش - گفت و گو - مدرسه‌ی چند پایه‌ای در پایتخت / معصومه فرهوش / ۲۲

چند پایه - عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در کلاس‌های چند پایه / معصومه فرهوش / ۲۶

کاربرد تلفیق در آموزش / اجباری یا اختیاری؟ / مرضیه کهندل / ۳۰

تلفیق - STEM چیست؟ / مرضیه کهندل / ۳۲

نوشتار - من تعیین می‌کنم چگونه معلّمی هستم / ترجمه: الهام فراستی / ۳۴

هشت نما - نمای اول، هلیا / روح... مال میر / ۳۶

معرفی کتاب - مجموعه کتاب‌های اندیشه‌ورزان / ۳۷

راهکار - راهکارهای افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام آزمایش‌های کتاب / مهدی زندی / ۳۸

تجربه - تلفیق - زنگ خوشمزه / مهلا سادات اکبرزاده / ۴۰

تقویم ماه - مهر ماه / ۴۲

رسانه‌ها - سایت‌های مورد نیاز معلمان / مژگان عقیقی / ۴۴

همراهان و برندگان مسابقه / ۴۷

آلبوم عکس / ۴۸

مدیر مسئول: دکتر مسعود فیاضی
سردبیر: علیرضا متولی
شورای برنامه‌ریزی:
دکتر فاطمه رضائی، طیبه حمزه‌بیگی،
مقصود رزم‌آرای شرق
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹
(داخلی ۴۲۹)
نمبر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۱۴۰۰۰



عکس روی جلد: حسن فتحیان

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «لوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام‌نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.

نوشتن

به نام خدای مهربان

در آخرین شماره‌ای که این جانب در خدمت شما مخاطبان عزیز هستم، بسیار مایلیم توجه شما عزیزان را به موضوعی جلب کنم که در سال‌ها و دهه‌های گذشته نادیده گرفته شده و همین نادیده گرفته شدن مشکلات بسیاری را در دوران پس از فارغ‌التحصیلی از نظام آموزش و پرورش سبب شده است.

در این دوره قصد داشتیم به این موضوع بپردازیم و از همین شماره‌ای که در دستتان هست، کار را آغاز کردیم. ادامه‌ی این فرایند در شماره‌های بعد، منوط است به نظر شورای سردبیری و سردبیر محترم تازه‌نفسی که از این پس اداره‌ی مطالب این ماهنامه را در اختیار خواهد گرفت.

یکی از معضلات جدی کشور که پایه‌اش در آموزش و پرورش گذاشته می‌شود، معضل خواندن و نوشتن است. امروزه، از آمار دقیقه‌های مطالعه‌ی هر فرد سخن بسیار گفته می‌شود. البته بعضی در رد کم بودن سرانه‌ی مطالعه، به مطالعه در فضاهای مجازی اشاره می‌کنند که در این آمارها گنجانده نشده است. اما آنچه مغفول مانده، توانایی نوشتن است. ما معلمان توانای بسیاری داریم که طرح‌ها و برنامه‌های زیادی در

فرصت اندیشیدن

مقصود رزم آرای شرق

مدرسه‌ی
مطلوب و
دوست‌داشتنی
کودک، یافتنی نیست،
ساختنی است.



توجه
به کودکان
به عنوان سرمایه‌های
اجتماعی، از الزامات
توسعه‌ی جامعه
است.



مدرسه‌ها اجرا می‌کنند. بسیاری از این طرح‌ها و برنامه‌های خلاقانه زاینده‌ی فکر و اندیشه‌ی خود معلمان هستند، اما تعداد کمی از دوستان قادر هستند چندخطی درباره‌ی برنامه‌ای که اجرا کرده‌اند، بنویسند.

در همین فضاهای مجازی، در کتاب‌هایی که افراد جوان می‌نویسند و منتشر می‌کنند، حتی در زیرنویس برنامه‌های تلویزیونی، واژه‌های پر غلطی دیده می‌شود که نگرانی‌ها را از گذشته بیشتر می‌کند. از این رو مصمم شدیم توجه مخاطبان را به اهمیت نوشتن جلب کنیم و تا جایی که می‌توانیم، به این مهم بپردازیم و راهکارهای ساده‌ای برای تمرین نوشتن بیاموزیم.

بیشتر مطالبی که در این شماره خواهید خواند، پیرامون نحوه‌ی آموزش نوشتن به دانش‌آموزان است.

توصیه‌ی من به شما این است که همان تمرین‌ها را خودتان هم اجرا کنید. نوشتن موضوع بسیار مهمی است که از همان ابتدا باید بیاموزید و آموزش بدهید. نوشتن و خواندن دو امر وابسته به هم هستند و هر یک دیگری را تکمیل می‌کند. در ابتدا عادت نوشتن پیدا کنید و سپس به آموزش درست نوشتن اقدام کنید. بعد هر چه را آموخته‌اید به دانش‌آموزان خود بیاموزید.

معلمان جوان می‌توانند با صرف ده تا پانزده دقیقه وقت در پایان روز و نوشتن گزارشی از فعالیت خود در آن روز، خود را به کار نوشتن عادت بدهند. پس از مدتی، این فعالیت ساده به‌قدری برایتان جذاب خواهد بود که دیگر دست از آن بر نخواهید داشت. روزهای اول سخت به نظر خواهد رسید. همان روزهای اول را با سماجت، حتی اگر شده با یک جمله، شروع کنید و سپس آن را بیشتر و بیشتر کنید. پس از چند سال متوجه خواهید شد چه گنجینه‌ی بزرگ و ارزشمندی فراهم کرده‌اید. آن گنجینه فقط دفترچه‌هایی نیست که در آن‌ها نوشته‌اید یا فایل‌هایی که در آن تایپ کرده‌اید، آن گنجینه‌ی ارزشمند را در درون خودتان خواهید یافت که چقدر شما را با دیگران متفاوت کرده است. این تفاوت ارزش بسیاری به شما می‌بخشد و شما را به معلم خاص و متمایز تبدیل می‌کند که سرشار از حرف و نکته است. این سرشاری در سال‌های بعد کار شما را کم می‌کند و به تعمیق آموزش‌هایی که می‌دهید و می‌گیرید، کمک می‌کند.

این توصیه‌نامه‌ی برادرانه را در آخرین سرمقاله‌ای که برای شما می‌نویسم، به یادگار داشته باشید.

خدا نگهدارتان

رویکرد
حاکم در فرایند
تربیت کودکان
رویکرد باغبانی
است نه نجاری.

جنبش‌های نوین
در تربیت کودکان:

«هر کودکی حق دارد از
آموزش لذت ببرد.»

«آهنگ یادگیری هر
کودکی متفاوت است.»

«من هم هستم.»

کودکان
در انتظار و
آرزوی خانه، مدرسه،
شهر و جامعه‌ی
«دوستدار کودک»
هستند.





پیش‌نیاز معلّمی؛ کودک‌شناسی

در این بخش، در دوره‌ی قبل مجله، با معلمان باتجربه و عاشقی گفت‌وگو کردیم که در دوره‌ی ابتدایی خدمت می‌کردند. امسال قصد داریم به سراغ معلمان جوانی برویم که اولین سال معلّمی خود را تجربه می‌کنند. در اولین شماره‌ی امسال مجله، با معلم جوان، **مریم کریوند**، آموزگار پایه‌ی دوم «دبستان پسرانه‌ی سرافراز» از شهرستان اسلام‌شهر، آشنا می‌شویم؛ معلّمی که معتقد است، معلم ابتدایی قبل از آنکه معلم باشد، باید کودک‌شناس باشد.

● از اولین روز کارتان بگوئید؟

من به پوشش و ظاهرم به‌عنوان معلم اهمیت زیادی می‌دهم. در دوران تحصیل خودم، همیشه معلمان خوش‌پوش با ظاهر آراسته را بیشتر دوست داشتم. بنابراین، از شب قبل لباس‌هایم را آماده کردم. در طول شب، به خاطر هیجان و استرس، چند بار از خواب بیدار شدم. بالاخره صبح که شد، من زودتر از بچه‌ها وارد مدرسه شدم. با خوش‌رویی وارد کلاس شدم و گفتم: «سلام آقا‌های با شخصیت». خوش‌حالی را در صورت‌های معصوم آن‌ها می‌دیدم. چیزی که آن‌ها را شگفت‌زده کرده بود، این بود که معلمشان جوان است.

● تفاوت کارآموزی با کلاس واقعی چه بود؟

خیلی تفاوت داشت. در کلاس‌های کارورزی، معلم از قبل به دانش‌آموزانش گفته بود ما می‌خواهیم به کلاسشان برویم، اما در کلاس واقعی همه چیز واقعی بود و هماهنگی قبلی وجود نداشت.

● آیا الان احساس می‌کنید چیزهایی باید می‌آموختید که نیاموخته‌اید؟

برای کارورزی ما را به مدرسه‌های خوب تهران می‌بردند و برای معلّمی به مدرسه‌های محروم تهران رفتیم. به نظرم، بهتر است در دوره‌ی کارورزی کارآموز را به مدرسه‌هایی با بافت‌های فرهنگی متفاوت ببرند تا او به‌عنوان معلم مدرسه‌های مناطق متفاوت را ببیند و با بافت هر منطقه آشنا شود. تدریس در هر منطقه متفاوت است.

● چطور شد به معلّمی روی آوردید؟

از کودکی به معلّمی علاقه‌مند بودم و غالباً در بازی‌هایم معلم می‌شدم. یک سال بعد از دریافت دیپلم در رشته‌ی کارشناسی علوم تربیتی، گرایش دبستان، در پردیس نسیمیه‌ی فرهنگیان دانشگاه فرهنگیان تهران قبول شدم.

● برای معلم شدن چه مسیری را طی کردید؟

بعد از قبولی در کنکور، با مشورت پدرم که او هم معلم بود، تصمیم گرفتم به دانشگاه فرهنگیان بروم و در همین رشته درس بخوانم. به نظرم خواست خدا بود که مرا در این مسیر قرار داد. از ترم دوم دانشگاه که واحدهای کارورزی داشتیم و از نزدیک با بچه‌ها ارتباط برقرار کردم، معصومیت و صداقت آن‌ها مرا به معلّمی بیشتر علاقه‌مند کرد. در حال حاضر سال اول معلّمی را می‌گذرانم.

● تحصیلات شما چند سال طول کشید؟

رشته‌ی کارشناسی علوم تربیتی چهار سال معادل هشت ترم است، اما من برای اینکه بتوانم همراه سر کلاس حاضر شوم، با هفت ترم تمام کردم.

● در دانشگاه احساس خلأ آموزشی می‌کردید؟

به جز کارورزی که آن هم یک روز در هفته برگزار می‌شد، همه‌ی درس‌ها نظری بودند. به نظرم دانشجوی علوم تربیتی باید به کلاس درس دسترسی بیشتری داشته باشد و درس‌های عملی بیشتری را بگذراند.



۳. با آن‌ها مقتدر و در عین حال با مهربانی رفتار کنند. من وقتی رفتار ناپسندی از آن‌ها می‌بینم، رفتارم را با آن‌ها تغییر می‌دهم تا متوجه اشتباهشان بشوند.

۴. برای وضع قوانین کلاسی با آن‌ها مشورت کنند و در نهایت قوانین کلاسی را همراه خود دانش‌آموزان وضع کنند.

۵. برای بچه‌ها خاطرات خوشی را رقم بزنند. برای مثال، در آخر سال تحصیلی، برای هر دانش‌آموز یادداشتی جداگانه، با توجه به شخصیت او، بنویسند و به او بدهند.

● از تجربه‌های درس‌آموز خود بگوئید.

فکر می‌کنم معلمان جدید بیشتر از هر چیز به تجربه نیاز دارند که کم کم و با گذر زمان باید کسب شود. شاید در سال‌های اول تدریس فراموش می‌کنیم مخاطبانمان بچه‌هایی هستند که باید همه چیز را با جزئیات برایشان توضیح دهیم. دانش‌آموزان ابتدایی معلمانشان را الگوی تمام و کمال می‌دانند و صحبت‌های معلم را حتی به صحبت‌های پدر و مادرشان ترجیح می‌دهند.

● چشم‌اندازتان از حرفه‌ی معلمی چیست؟

معلم ابتدایی، قبل از اینکه معلم باشد، باید کودک‌شناس و تا حدودی با روان‌شناسی کودکان آشنا باشد. اهمیت این موضوع آن‌قدر زیاد است که من بعد از فارغ‌التحصیلی از کارشناسی، تصمیم گرفتم کارشناسی ارشد را در رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی درس بخوانم. در حال حاضر هم دانشجوی ترم دوم این رشته هستم. دوست دارم وقتی دانش‌آموزانم به پایه‌های بالاتر می‌روند، مهارت‌های زندگی در آن‌ها نهادینه شده باشد. دو اصلی که در کلاس خیلی به آن پایبندم و از بچه‌ها می‌خواهم آن‌ها را رعایت کنند، دروغ نگفتن و مسخره نکردن دیگران است. آن‌ها به دلیل علاقه‌ای که به من دارند، سعی می‌کنند این دو اصل را رعایت کنند. هر ماه عنوان یک صفت شایسته را روی تخته‌ی کلاس می‌نویسم و از دانش‌آموزانم می‌خواهم که در طول ماه، از شخصی که آن صفت را داشته است نام ببرند. بعد از یک ماه آن شخص توسط خود دانش‌آموزان انتخاب می‌شود. لذا جای اعتراضی از طرف بقیه باقی نمی‌ماند.

● توصیه‌تان به معلم‌هایی که امسال وارد کلاس درس می‌شوند چیست؟

۱. با بچه‌ها ارتباط برقرار کنند. لازمه‌ی ارتباط این است که آن‌ها را درک کنند. با هر کدام از آن‌ها، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری‌شان، ارتباط برقرار کنند.

۲. معلم باید مراقب واژه‌هایی که به کار می‌برد باشد. گاهی اوقات ندانسته دانش‌آموزان را با واژه‌های نادرست ناراحت می‌کنیم.



تجربه‌ی اول

در درس سرگذشت دانه‌ها از بچه‌ها خواسته بودم با خود میوه بیاورند. تأکید هم کردم میوه‌ها را تکه نشده بیاورند، چون می‌خواهیم دانه‌هایشان را ببینیم. در فکرم بود که میوه‌ها را خودم برایشان تکه کنم و دانه‌ها را نشانشان دهم. صبح آن روز، قبل از ورود به مدرسه، چند نفر از مادران به مدرسه آمده و با خود چاقو آورده بودند. چاقوها را به من تحویل دادند و گفتند ترسیده‌اند چاقو را به دست دانش‌آموز بدهند! عده‌ای دیگر هم چاقو را در کیف دانش‌آموز گذاشته بودند و آمده بودند به من اطلاع بدهند چاقو در کیف فرزندشان است. من همان لحظه چاقوها را از کیف‌ها خارج کردم و به مادران تحویل دادم. در پی این ماجرا فهمیدم بچه‌های من تنها هشت سال دارند و من به‌عنوان معلم باید همه چیز را با جزئیات و خطرهایی که ممکن است آن‌ها را تهدید کند، برایشان توضیح دهم. من باید تأکید می‌کردم که خودم قرار است میوه‌ها را تکه کنم و آن‌ها اصلاً نیازی به چاقو ندارند.

تجربه‌ی سوم

در کلاس ممکن است با اتفاقات ناگهانی روبه‌رو شویم. لحظه‌ای که می‌خواستم صفحه کلید رایانه را از کمدی که دستگاه در آن قرار داشت خارج کنم، یک گربه از کمد بیرون پرید که ظاهراً از روز قبل آنجا مخفی شده بود. کل کلاس به هم ریخت. با اینکه خودم از گربه به شدت می‌ترسیدم، مدام بچه‌ها را به آرامش دعوت می‌کردم. با این حال می‌ترسیدم گربه دانش‌آموزی را چنگ بزند. بچه‌هایی که نمی‌ترسیدند، گربه را در کلاس دنبال می‌کردند. مجبور شدم کلاس را خالی کنم. این کار باعث ایجاد سر و صدا در راهروی مدرسه شد. هنگام بیرون پریدن گربه، من با وجود اینکه فریاد نزد، کاملاً شوکه بودم. بچه‌ها این موضوع را از چهره‌ام متوجه شده بودند. فهمیدم که حتی با اینکه خودم را کنترل کرده بودم فریاد نکشم، اما حالت چهره‌ام همه چیز را لو داده بود!

تجربه‌ی چهارم

من فکر می‌کردم حتماً باید مبحثی که به یک فصل کتاب مربوط است، به ترتیبی که در کتاب آمده است در همان فصل توضیح داده و کار شود، در صورتی که مشاهده کردم معلمان دیگر مثلاً عدد نویسی را که به فصل چهارم ریاضی مربوط است، از فصل سوم شروع به تدریس کرده بودند. نظیر این کارها، اختلالی در کار معلم وارد نمی‌کند، بلکه کار آموزش و تدریس را آسان‌تر می‌کند.

تجربه‌ی دوم

عید نوروز بود. از بچه‌ها خواسته بودم برای روزی که قرار است با سفره‌ی هفت سین مدرسه عکس بگیریم، با روپوش تمیز و اتوکشیده و موهای مرتب بیایند. آن روز، من با دانش‌آموزانی مواجه شدم که موهایشان آغشته به مواد تثبیت‌کننده‌ی حالت مو (ژل، تافت و انواع اسپری‌های مو و ...) و مدل‌دار بود. بعد از مدرسه هم، دو سه نفر از مادران اظهار می‌کردند بچه‌هایشان روز قبل به آرایشگاه رفته و با همان موها خوابیده بودند. جالب بود که زنگ اول هم ورزش داشتیم و قرار بود زنگ دوم عکس بگیریم. بچه‌ها حاضر بودند به خاطر موهایشان ورزش نروند. البته با همکاری معاون مدرسه، ابتدا عکس گرفتیم تا بچه‌ها با خیال راحت برای زنگ ورزش آماده شوند. هیچ وقت حتی فکرش را هم نمی‌کردم که مردان کوچولوی هشت ساله از حرف من این چنین برداشت‌هایی کنند و مانند یک نوجوان یا حتی جوان عمل کنند! این موضوع به من درس بزرگی داد که هرگز بچه‌ها را در هر سنی که هستند، دست کم نگیریم. کلام ساده‌ی ما می‌تواند برداشت‌های عجیب و غریبی در ذهن کودکان ایجاد کند.





تبدیل‌های هندسی: انتقال در صفحه

مطلوبی برای افزایش دانش
موضوعی ریاضی معلمان

مقدمه

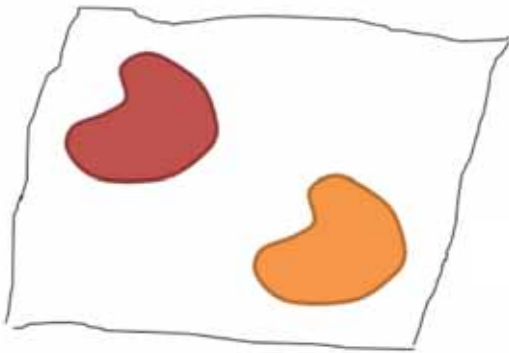
دنیای اطراف ما پر است از اشیایی که هر کدام شکلی دارند. در علم هندسه، این شکل‌ها به صورت مجرد بررسی می‌شوند. بعضی از شکل‌ها **مسطح** هستند؛ یعنی کاملاً روی یک سطح صاف و تخت قرار می‌گیرند. سطح صاف و کاملاً تخت یک نوع **صفحه** است. شکل‌هایی را که روی یک صفحه هستند می‌توان تغییر داد: مثلاً می‌توان روی همان صفحه سُر داد، یا دور نقطه‌ای از همان صفحه چرخاند، یا از صفحه بلند کرد و پشت و رو کرد و دوباره روی همان صفحه قرار داد، یا آن را بزرگ یا کوچک کرد. این تغییرات شکل را عوض نمی‌کنند، حتی بسیاری از آن‌ها اندازه‌ی شکل را هم تغییر نمی‌دهند. به این تغییرات در هندسه **تبدیل** گفته می‌شود. یکی از این تبدیلات هندسی، **انتقال** است. در این شماره از مجله با انتقال آشنا می‌شویم و کاربردهای آن را در کاشی کاری ایرانی - اسلامی خواهیم دید.

اشاره

در کتاب‌های درسی ریاضی دوره‌ی ابتدایی موضوع‌هایی هستند که یا دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها مشکل دارند یا معلمان در یاددهی آن‌ها. یکی از این موضوعات، تقارن‌ها و دوران در هندسه است که در کتاب‌های درسی ریاضی دوره‌ی ابتدایی آمده است.

«تقارن و دوران»، حالت خاصی از تغییر دادن یک شکل در صفحه است. این تغییر دادن‌ها را «تبدیل هندسی» می‌نامند. در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، در چند شماره، درباره‌ی انواع تبدیلات صحبت می‌کنیم.

در مطلب پیش‌رو قصد داریم تبدیلهای هندسی را به عنوان یک موضوع یا مفهوم ریاضی بررسی کنیم تا دانش موضوعی خود را برای تدریس بهتر آن‌ها افزایش دهیم. همچنین، مطالبی درباره‌ی تدریس این موضوعات بیان کنیم.



تصویر ۱. شکل نارنجی انتقال یافته‌ی شکل قرمز روی صفحه است

انتقال چیست؟

اگر یک شکل مسطح را روی یک صفحه فقط سُر بدهیم، طوری که از یک جای صفحه به جای دیگری از همان صفحه برود، می‌گوییم شکل را انتقال داده‌ایم. با انتقال، نه شکل می‌چرخد، نه بزرگ یا کوچک می‌شود، نه پشت و رو می‌شود و نه هیچ تغییر دیگری. فقط جای (مکان) شکل در آن صفحه تغییر می‌کند.

بنابراین:

انتقال یافته‌ی یک شکل با خود آن شکل هم‌نهشت است.

چگونه شکلی را در صفحه انتقال دهیم؟

برای اینکه یک شکل را در صفحه انتقال دهیم، چند روش را معرفی می‌کنیم:

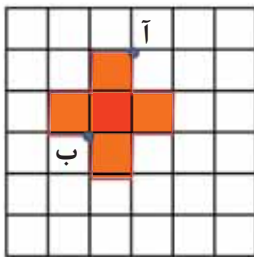
الف) استفاده از کاغذ پوستی: کاغذ پوستی را روی شکل بگذارید. شکل را با دقت روی آن کپی کنید. حال، کاغذ پوستی را روی صفحه، در جهتی که می‌خواهید، سُر دهید. نمونه‌ی انتقال یافته‌ی شکلتان به دست می‌آید.



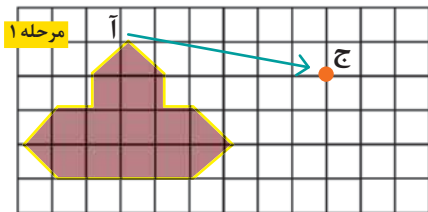
مرحله ۲



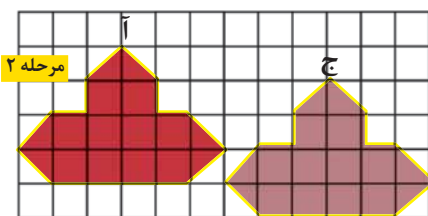
مرحله ۱



تصویر ۲. شکل روی صفحه‌ی شطرنجی

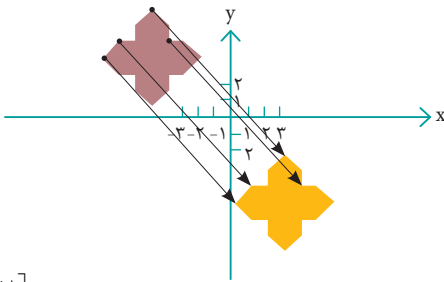


مرحله ۱



مرحله ۲

تصویر ۳. مراحل انتقال یک شکل روی صفحه‌ی شطرنجی

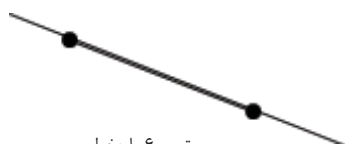


تصویر ۴. انتقال یک شکل روی صفحه‌ای با دستگاه مختصات با بردار $\begin{bmatrix} +8 \\ -9 \end{bmatrix}$

ب) استفاده از صفحه‌ی شطرنجی: صفحه‌ی شطرنجی صفحه‌ای است پوشیده از خانه‌های مربع‌شکل هم‌اندازه. وقتی شکلی روی صفحه‌ی شطرنجی قرار دارد، وضعیت نقطه‌های آن نسبت به هم می‌تواند با این چهارخانه مشخص شود. در تصویر ۲، نقطه‌ی آ دو خانه بالاتر و یک خانه راست‌تر از نقطه‌ی ب است. به این ترتیب، برای انتقال یک شکل روی صفحه‌ی شطرنجی، کافی است یک نقطه از آن شکل (مانند آ) را انتقال دهید و نقطه‌ی ج را به دست آورید و سپس سایر نقاط شکل را در مکان جدید با همان وضعیت که نسبت به آ داشته‌اند، نسبت به نقطه‌ی ج رسم کنید (تصویر ۳ را ببینید).

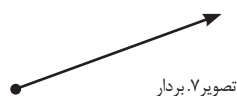
پ) دستگاه مختصات (و استفاده از بردارها): برای انتقال شکل در صفحه‌ای که دستگاه مختصات دارد، از بردارها کمک می‌گیریم. هر انتقال با یک بردار انتقال متناظر است که جهت و مقدار حرکت شکل را در صفحه مشخص می‌کند. بنابراین، تک‌تک نقطه‌های شکلمان را با بردار انتقال مورد نظر در صفحه حرکت می‌دهیم تا انتقال یافته‌ی شکل به دست آید (تصویر ۴).

بردار یک پاره خط جهت دار است. می دانید که پاره خط، یک بخش از یک خط راست است که به دو نقطه محدود شده است.



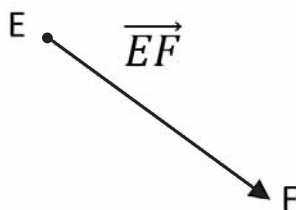
تصویر ۶. پاره خط

بردار پاره خطی است که یکی از نقطه های دو سر آن ابتدای بردار است و دیگری انتهای بردار. بنابراین، با یک پیکان، انتهای بردار را از ابتدای آن متمایز می کنیم:



تصویر ۷. بردار

برای نامیدن بردارها باید نام نقطه ای ابتدا و انتهای آن را به ترتیب بگوییم و یک علامت پیکان بالای آن ها بگذاریم:



تصویر ۸. نام گذاری بردار

دستگاه مختصات یک قرارداد در صفحه است، برای اینکه بتوانیم موقعیت دقیق هر نقطه را در صفحه مشخص کنیم. با استفاده از دستگاه مختصات، به هر نقطه دو عدد متناظر می شود که دقیقاً جای آن نقطه را در صفحه مشخص می کنند. برای تشکیل دستگاه مختصات در صفحه باید این کارها را انجام دهیم:

۱. تعیین یک نقطه از آن صفحه به عنوان «مبدأ مختصات»؛
۲. انتخاب دو خط راست که از مبدأ مختصات بگذرند و به آن ها «محورهای مختصات» می گویند. معمولاً این دو خط را عمود بر هم به صورت افقی و عمودی انتخاب می کنند.

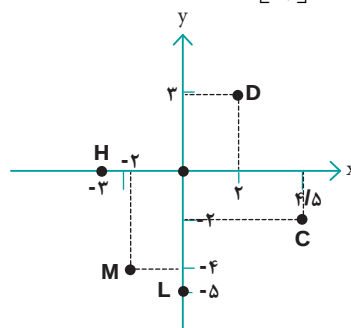
۳. تعیین جهت مثبت (افزایش اعداد) روی هریک از محورهای مختصات. معمولاً روی محور افقی جهت مثبت سمت راست است، و روی محور عمودی جهت مثبت بالاست.

۴. انتخاب واحد روی محورهای مختصات. معمولاً واحدهای روی دو محور با یکدیگر برابرند.

در تصویر ۵، برای رسیدن به نقطه ای C از مبدأ مختصات، ابتدا ۴/۵ واحد به صورت افقی به راست می رویم؛ سپس ۲ واحد به صورت عمودی به پایین می رویم. پس مختصات C چنین است:

$$\begin{bmatrix} 4/5 \\ -2 \end{bmatrix}$$

مختصات D چیست؟ نقطه ای با مختصات $\begin{bmatrix} -1 \\ 1/2 \end{bmatrix}$ را مشخص کنید.



آیا مختصات H، $\begin{bmatrix} -3 \\ 0 \end{bmatrix}$ است؟

مختصات مبدأ $\begin{bmatrix} 0 \\ 0 \end{bmatrix}$ است.

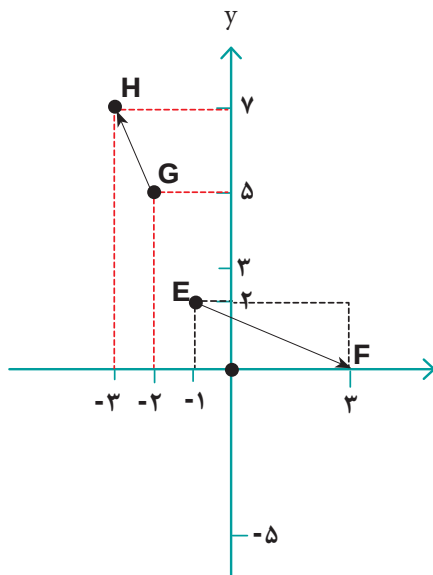
تصویر ۵. دستگاه مختصات در صفحه

گاهی یک شکل ویژگی هایی دارد که با استفاده از آن ها انتقال شکل راحت تر انجام می شود. برای نمونه:

- برای انتقال یک پاره خط کافی است تنها دو نقطه ای دو سر پاره خط را منتقل کنیم. بعد آن دو نقطه ای جدید را به هم وصل کنیم. پاره خطی که به دست می آید، انتقال یافته ی پاره خط اولیه است.
- برای انتقال یک چندضلعی، که درواقع از چند پاره خط تشکیل شده است، کافی است تنها رأس های چندضلعی را منتقل کنیم، سپس این نقطه های جدید را به ترتیب به هم وصل کنیم. چندضلعی به دست آمده، انتقال یافته ی چندضلعی اولیه است.
- برای انتقال یک دایره، کافی است محل مرکز دایره ی جدید را تعیین کنیم. سپس به شعاع دایره ی اصلی و به مرکز جدید، دایره ای بزنیم. این دایره، انتقال یافته ی دایره ی اصلی است.
- شما این فهرست را با شکل های دیگری که می شناسید کامل کنید.

بردار در دستگاه مختصات

می‌توان تصور کرد که هر بردار یک حرکت را مشخص می‌کند: حرکتی از نقطه‌ی ابتدای بردار به نقطه‌ی انتهای آن. اگر بردار در صفحه‌ای رسم شده باشد که دستگاه مختصات دارد، این حرکت را می‌توان به این صورت دید که: اول از نقطه‌ی ابتدای بردار، به صورت افقی، آن قدر به راست یا چپ برویم که به جایی درست در زیر یا بالای نقطه‌ی انتهای بردار برسیم. سپس از آنجا آن قدر بالا یا پایین برویم که به نقطه‌ی انتهای بردار برسیم. به این ترتیب، هر حرکت به دو مؤلفه‌ی افقی و عمودی (با همین ترتیب) تجزیه می‌شود. در



تصویر ۹. بردار در دستگاه مختصات

تصویر روبه‌رو، بردار $\overrightarrow{EF}$ را با مختصات $\begin{bmatrix} +4 \\ -2 \end{bmatrix}$ نشان می‌دهیم.

عدد بالا حرکت افقی و عدد پایین حرکت عمودی را نمایش می‌دهد.

شما مختصات بردار $\overrightarrow{GH}$ را بنویسید. برداری با

مختصات $\begin{bmatrix} -3/5 \\ -1 \end{bmatrix}$ رسم کنید. (نقطه‌ی ابتدای چنین

بردار، هر نقطه از صفحه می‌تواند باشد. همه‌ی بردارهایی که با این مختصات رسم شوند، با هم برابر تلقی می‌شوند.)

انتقال در کتاب‌های درسی ریاضی ابتدایی

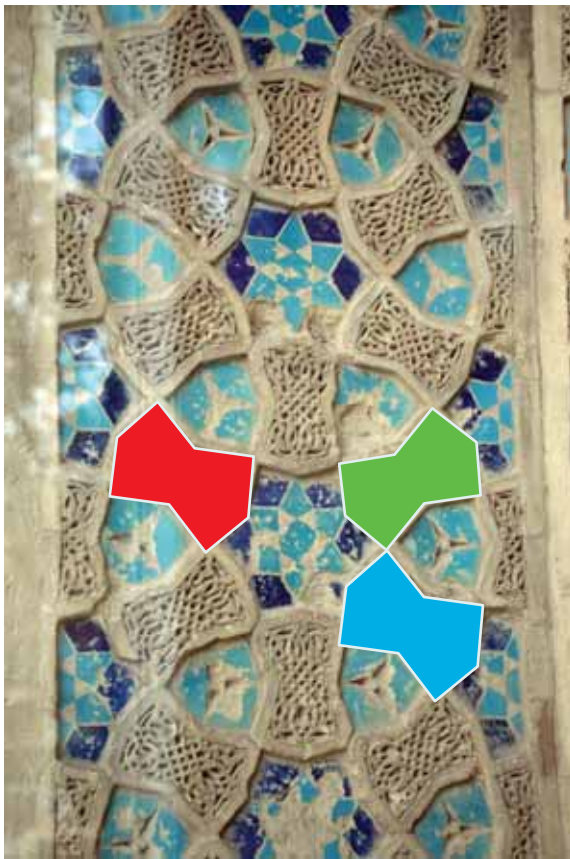
در کتاب‌های درسی ابتدایی، انتقال به‌عنوان یک موضوع مستقل نیامده است، ولی رد پای آن را در بعضی قسمت‌های کتاب‌های درسی ریاضی شش پایه می‌توان دید:

پایه	صفحه‌ی کتاب	موضوع و شرح آن
اول	۷۵ و ۷۶ و ...	انتقال در تمام الگوهای تصویری
دوم	۷	الگوی تصویری
	۶۱	کاشی‌کاری با انتقال و تکرار یک شش ضلعی
سوم	۸۸	سؤال ۴ فعالیت: کاشی‌کاری با انتقال و تکرار یک شکل
	۱۳۳	تکرار الگوها با انتقال
چهارم	۲۱	بالای صفحه، الگوی تصویری
پنجم	-	-
ششم	-	-

الگوهای تصویری که با تکرار یک جزء به دست می‌آیند، در واقع نمونه‌ای از انتقال هستند: آن جزء تکرارشونده انتقال می‌یابد و الگو را می‌سازد.

همچنین، کاشی‌کاری نمونه‌ای کاملاً عملی و کاربردی از انتقال است که جزء مشخصی با نظم خاص در صفحه تکرار می‌شود و سطح را می‌پوشاند. همان‌طور که در جدول بالا می‌بینید، این موارد در قسمت‌هایی از کتاب‌های ریاضی به چشم دانش‌آموزان می‌خورد و آن‌ها بدون اینکه نامی از انتقال برده شود، با آن آشنا می‌شوند.

تصویر تمرین‌های ۱-۳: مسجد جامع نطنز



در ریاضیات مدرسه‌ای، فعالیت‌های آموزشی باید از ریاضیات محیط پیرامون برخاسته باشد تا به دانش‌آموزان کمک کند مفاهیم و گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه، تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۴).

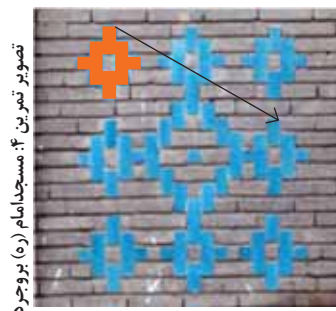
دو شکل را که کاملاً برهم منطبق شوند
هم‌نهشت می‌نامیم.
اجزای متناظر دو شکل هم‌نهشت با
یکدیگر برابرند.



برای دریافت فایل پاسخ مسئله‌ها،
بارکد مقابل را اسکن کنید.

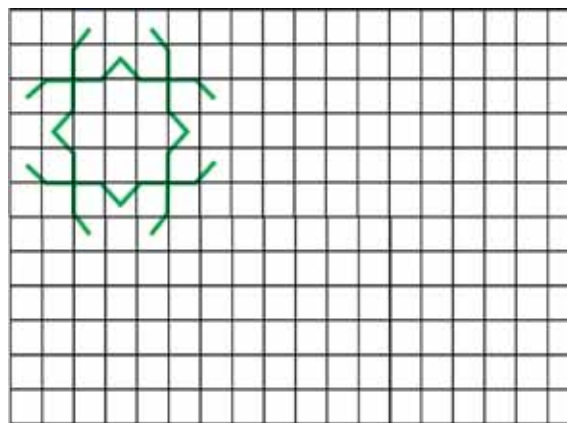
مسئله

۱. آیا شکل آبی انتقال‌یافته‌ی شکل قرمز است؟ اگر هست، بردار انتقال آن را مشخص کنید. اگر نیست، دلیل شما چیست؟
۲. آیا شکل سبز انتقال‌یافته‌ی شکل قرمز است؟ اگر هست، بردار انتقال آن را مشخص کنید. اگر نیست، دلیل شما چیست؟
۳. در تصویر مقابل، یک شکل دیگر را مشخص کنید که انتقال‌یافته‌ی شکل قرمز باشد.
۴. اگر شکل تیره‌تر را با برداری که مشخص شده است انتقال دهیم، چه شکلی به دست می‌آید؟



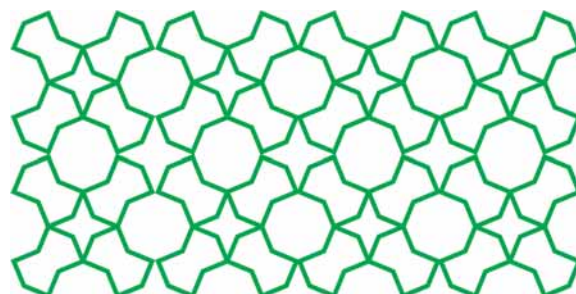
تصویر تمرین ۴: مسجد امام (ره) پرورد

۵. با انتقال تصویر پایین، گره‌چینی را کامل کنید.



تصویر تمرین ۵: گره‌ی شمشه و چلیپا

۶. کدام جزء از تصویر پایین را اگر داشته باشیم، با انتقال آن می‌توانیم کل گره‌چینی را بسازیم؟ با چه انتقال‌هایی؟



تصویر تمرین ۶: گره‌ی هشت و طبل و لنگه

پرورش مهارت نوشتن در دانش‌آموزان

بنویسند، به کشف جدیدی برای بیان ایده‌های خود دست پیدا خواهند کرد و درمی‌یابند چگونه باید کلمات را در کنار یکدیگر قرار دهند تا خواننده مشتاقانه نوشته‌ی ایشان را دنبال کند و ضمن لذت بردن از آن، پیام را به آسانی درک کند.

در واقع، کسب مهارت نوشتن مثل مهارت دوچرخه‌سواری است. ممکن است در شروع دشوار به نظر برسد، ولی با پشتکار، مایوس نشدن و توجه به توصیه‌های کاربردی، می‌توان این مهارت را کسب کرد و از آن لذت توصیف‌نشدنی برد.

از جمله توصیه‌هایی که در بیشتر مقاله‌های آموزشی برای توسعه‌ی این مهارت در دانش‌آموزان ذکر شده عبارت‌اند از:

۱. تمرین نوشتن به صورت مرتب و روزمره

از دانش‌آموزان خود بخواهید تمرین نوشتن را به‌طور مستمر انجام دهند (حداقل سی دقیقه در هر روز).

برای مثال، از آن‌ها بخواهید خاطرات روزمره‌ی خود را در یک دفتر شخصی ثبت کنند یا درباره‌ی احساس خود در مدرسه یا نسبت به دوستان و آشنایانشان یا درباره‌ی چیزهایی که امروز در مدرسه یاد گرفته‌اند، مطلب بنویسند (لازم نیست نوشته‌ی خود را به کسی نشان دهند).

۲. ایجاد انگیزه برای نوشتن

به‌منظور ایجاد انگیزه برای نوشتن، زمانی را به گفت‌وگو درباره‌ی اهمیت آن اختصاص دهید. بسیار مهم است دانش‌آموزان دریابند که با کسب این مهارت می‌توانند چه خدمتی به خود یا جامعه بکنند و چگونه با نوشتن اعتمادبه‌نفس آنان افزایش پیدا خواهد کرد. از جمله فعالیت‌هایی که می‌تواند در تشویق دانش‌آموزان به نوشتن مؤثر باشد، انتشار نوشته‌های منتخب آن‌ها در یک نشریه‌ی مدرسه‌ای است.

۳. ترغیب به خواندن

در مورد ارتباط مستقیم خواندن با نوشتن در کلاس صحبت کنید و از دانش‌آموزان بخواهید پس از بحث گروهی در این زمینه، نتایج بحث را برای سایر دانش‌آموزان مطرح کنند. سپس به آن‌ها کتاب‌هایی داستانی با حجم کم و جذاب معرفی کنید و از ایشان

نوشتن اگرچه به‌عنوان یک ابزار مهم توسعه‌ی ارتباط، دانش و هنر قلمداد می‌شود اما نقش ناپیدا و مهم آن توسعه‌ی شخصی است. نوشتن در کنار خواندن درون آدمی را توسعه می‌دهد؛ هر چند بسیاری کسانانی که خوب می‌خوانند اما نمی‌توانند خوب بنویسند. در این دوره به موضوع نوشتن بیشتر خواهیم پرداخت.

زمانی که به مدرسه می‌رفتیم، زنگ انشا همواره برایم طولانی و دلهره‌آور بود. دائماً در دلم دعا می‌کردم معلم مرا صدا نکند، چون یا انشا ننوشته بودم یا اگر نوشته بودم شروع آن با ادامه و پایانش هم خوانی نداشت. معمولاً انشا را با دو سه جمله‌ی کلیشه‌ای که از دیگران پرسیده بودم شروع می‌کردم، ولی نمی‌توانستم آن را به‌صورت مناسب ادامه دهم و به آخر برسانم. به همین دلیل هم معمولاً پایین‌ترین نمره‌ام در کارنامه متعلق به درس انشا بود که از سیزده بالاتر نمی‌رفت. آن روزها باور من و بسیاری از معلمان این بود که نوشتن نوعی استعداد است. یعنی اگر در فردی وجود نداشته باشد یا کم باشد، نمی‌توان آن را پرورش داد. من هم با این باور بزرگ شدم و هیچ تلاشی برای تغییر آن نکردم. سال‌ها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، با آشنایی بیشتر با مقاله‌های آموزشی، دریافتم نوشتن یک مهارت است که می‌توان آن را به سادگی آموزش داد و اگر دانش‌آموزان قادر به نوشتن نیستند، به این دلیل است که کسی در این خصوص به آن‌ها آموزش مناسب نداده است. خوشبختانه، امروزه مقاله‌های تحقیقاتی بسیاری در خصوص چگونگی آموزش مهارت نوشتن در دوران مدرسه یا دانشگاه و به تفکیک هر دوره انتشار یافته است. در این مقاله‌ها بیان شده است که چگونه با طی کردن گام‌های آموزشی مؤثر می‌توان این مهارت را در دانش‌آموزان توسعه داد و حتی آن‌ها را به نویسنده تبدیل کرد. از جمله تأکیدی که در این مقاله‌ها به چشم می‌خورد، آن است که دانش‌آموزان دریابند نوشتن یک مهارت است و مانند هر مهارت دیگر آموختنی و قابل توسعه است. با تمرین روزمره و توجه به توصیه‌های کاربردی می‌توان به این مهارت دست یافت. البته لازم است به این نکته توجه داشته باشند که نوشتن یک سفر است نه یک مقصد. لذا هیچ گاه پایانی ندارد. علاوه بر آن، هر چه بیشتر



سخن آخر

لازم به ذکر است، توصیه‌های آموزشی در این خصوص بسیارند. این توصیه‌ها تابع سن، میزان تحصیلات، شرایط بومی و خانوادگی دانش‌آموزان هستند. با مطالعه‌ی تحقیقات انجام شده در این زمینه و آگاهی از تجربه‌های سایر همکاران، می‌توانید به راهکارهایی که برای دانش‌آموزان شما مفیدند دست یابید و در صورت موفقیت آن را با دیگران نیز در میان بگذارید تا در آینده‌ای نه چندان دور شاهد آثار دانش‌آموزی بیشتری در این مرز و بوم باشیم.

بخواهید شخصیت‌های مورد علاقه‌شان در داستان را به‌طور مختصر توصیف کنند و دلایل انتخاب خود را توضیح دهند، یا بخشی از داستان را خلاصه کنند.

۴. تأکید بر نقاط قوت و اجتناب از بیان صریح نقاط ضعف

از آنجا که دانش‌آموزان در این راه نو پا هستند، بسیار مهم است که ناامید نشوند. لذا از آنان بخواهید در صورت تمایل نوشته‌ی خود را برای دیگران بخوانند و شما روی نقاط قوت نوشته تأکید کنید. در صورتی که لازم می‌دانید مواردی را اصلاح کنید، آن‌ها را به‌صورت غیرمستقیم و توصیه‌ای بیان کنید. این موارد را در مورد سایر نوشته‌هایی که در کلاس خوانده نمی‌شوند هم رعایت کنید.

منابع

1. <http://www.readingrockets.org/article/teaching-elementary-school-students-be-effective-writers>
2. <http://www.teachwriting.org/blog/2017/6/14/12-strategies-to-support-struggling-writers-in-elementary>
3. <https://beneylu.com/pssst/en/creative-writing-for-elementary-students>

۵. بررسی مجدد مطلب و اصلاح آن

از دانش‌آموزان بخواهید نوشته‌ی خود را در زمان‌های مختلف مرور و در صورت لزوم آن را بازنویسی کنند. در مورد اینکه این فرایند حتی در مورد نویسندگان خبره نیز اتفاق می‌افتد، با آنان صحبت کنید. به آن‌ها اطمینان دهید این راهکار به پیشرفت تدریجی آن‌ها برای کسب این مهارت کمک می‌کند.

۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی
در دوره‌ی دوم ابتدایی (قسمت اول)انشانویسی
و فعالیت‌هایی برای
تقویت آن

در کتاب‌های نگارش فارسی ابتدایی فعالیت‌هایی پیش‌بینی شده‌اند که انجام آن‌ها برای انشانویسی دانش‌آموزان مفید است. گاه دیده می‌شود دانش‌آموزان علاقه دارند بیشتر بنویسند و به دنبال موضوع‌های جدیدتری هستند. فعالیت‌هایی که در دوره‌ی امسال مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی چاپ می‌شود، برای این دسته از دانش‌آموزان و نیز معلمانی که بخواهند تنوعی در کلاس نگارش ایجاد کنند، به کار می‌آید.

توجه داشته باشیم، در زنگ نگارش بچه‌ها نیاز دارند از قالب‌های روزمره و تکراری فاصله بگیرند و با موضوع‌های نو دست و پنجه نرم کنند. شاید نوشتن انشا بیشتر از آنچه به دایره‌ی واژگان بچه‌ها بستگی داشته باشد، به موضوع‌هایی که تعیین می‌شود مرتبط باشد. یکی از گلایه‌های برخی همکاران این است که دایره‌ی لغات بچه‌ها کم است و در نتیجه نمی‌توانند بنویسند. در مقابل نظر دیگری هم وجود دارد که می‌گوید اگر موضوع محرک نوشتن باشد، گنجینه‌های واژگانی پنهان بچه‌ها را آشکار خواهد کرد.

شما به عنوان آموزگار راه‌های گوناگونی را تجربه کرده‌اید. پیشنهاد می‌کنیم از این موضوعات برای کلاس انشای خود نیز استفاده کنید و ببینید تا چه حد کارایی دارند.

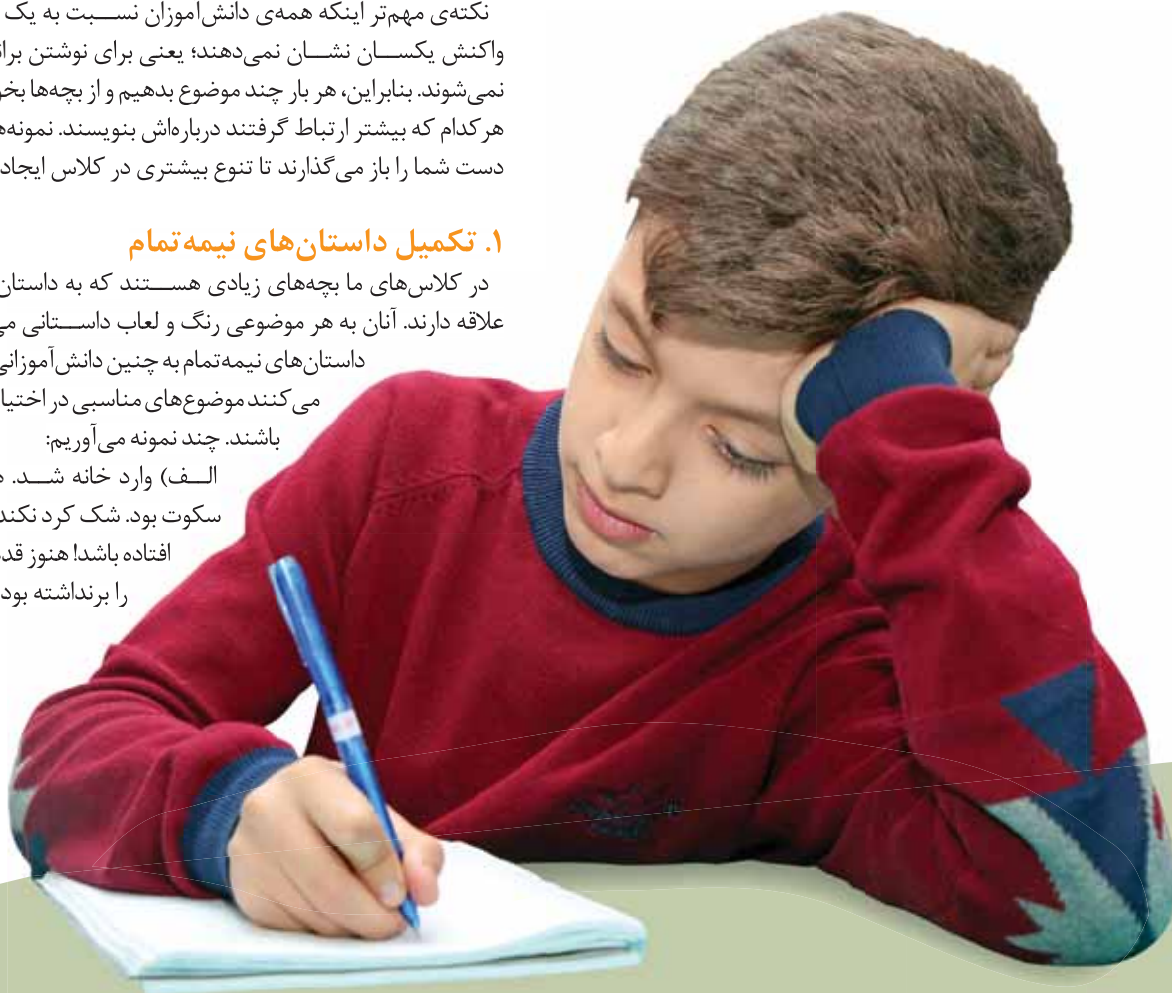
می‌توان بعضی موضوع‌ها را در ابتدا به صورت شفاهی و بازی اجرا کرد و بعد از بچه‌ها خواست برداشته‌های خود را از اجرای بازی بنویسند. فراموش نکنیم، موضوع فی‌نفسه اهمیت ندارد، تأثیری که بر راه انداختن و تحریک دانش‌آموزان به نوشتن بر جا می‌گذارد مهم است.

نکته‌ی مهم‌تر اینکه همه‌ی دانش‌آموزان نسبت به یک موضوع واکنش یکسان نشان نمی‌دهند؛ یعنی برای نوشتن برانگیخته نمی‌شوند. بنابراین، هر بار چند موضوع بدهیم و از بچه‌ها بخواهیم با هر کدام که بیشتر ارتباط گرفتند درباره‌اش بنویسند. نمونه‌های زیر دست شما را باز می‌گذارند تا تنوع بیشتری در کلاس ایجاد کنید.

۱. تکمیل داستان‌های نیمه‌تمام

در کلاس‌های ما بچه‌های زیادی هستند که به داستان‌نویسی علاقه دارند. آنان به هر موضوعی رنگ و لعاب داستانی می‌دهند. داستان‌های نیمه‌تمام به چنین دانش‌آموزانی کمک می‌کنند موضوع‌های مناسبی در اختیار داشته باشند. چند نمونه می‌آوریم:

الف) وارد خانه شد. همه جا سکوت بود. شک کرد نکند اتفاقی افتاده باشد! هنوز قدم بعدی را برداشته بود که ...





ب) آخرین باری را که از مردم شهر خداحافظی کرد، در ذهنش مرور کرد. هیچ وقت یادش نمی‌رفت ...

ج) سوت قطار به صدا درآمد ...
برای اینکه نمونه‌های بیشتری در اختیار داشته باشید و در زنگ انشا با مشکل انتخاب مواجه نشوید، یک کتاب داستانی با خود همراه داشته باشید. اولین سطر هر صفحه می‌تواند شروع‌کننده‌ی یک داستان باشد. به این ترتیب، بچه‌ها هم یاد می‌گیرند چگونه برای خود موضوع داستانی پیدا کنند.

۲. دفتر روزانه‌نویسی

بچه‌ها را تشویق کنیم برای خود دفتری تهیه کنند و مشاهدات و احساسات و خاطرات روزانه‌ی خود را در آن بنویسند. اگر بچه‌ها احساس کنند امنیت نوشتاری دارند، از این دفتر خیلی استقبال می‌کنند. از آنان بخواهیم هر وقت خواستند بعضی از نوشته‌های دفترشان را به عنوان تکلیف کلاسی بخوانند. کم‌کم یاد می‌گیرند دفتر روزانه‌نویسی برای بیان کارهای تکراری هر روزه نیست؛ مگر اینکه در جریان این کارهای تکراری اتفاق تازه‌ای پیش بیاید. بهتر است تشویق شوند احساسات خودشان را نسبت به موضوعی بیان کنند و شادی و ناراحتی‌شان را بنویسند. همچنین، اگر جمله‌ی خوبی شنیده‌اند، یا چیز زیبایی دیده‌اند، از آن بنویسند.

اگر این فعالیت را معلم هم انجام دهد، یعنی او هم دفتر روزانه‌نویسی داشته باشد، اثری چند برابری بر دانش‌آموزان خواهد داشت.

۳. پرورش تخیل

پرواز خیال یکی از نیازهای نویسندگان نوجوان است. بنابراین، در زنگ‌های نگارش، گاهی لازم است از عالم واقع خارج شویم و بگذاریم بچه‌ها خیال‌بافی کنند. گاه بچه‌ها در تخیل از دایره‌ی راستگویی خارج می‌شوند و چیزی را که نیست، هست نشان می‌دهند! در اینجا بحث خلق جدید و خلاقیت مطرح است و به مسئله‌ی اخلاقی دروغ ربطی ندارد. بنابراین، اجازه دهیم خیال پرواز کند، کوه را کاه برگ نشان دهد و برگ را دریا و دریا را توپ والیبال. برای پرورش تخیل صدها نمونه فعالیت وجود دارد که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

چه می‌شد اگر ...

بازی «چه می‌شد اگر» فوق‌العاده جذاب و خیال‌انگیز است. در هر موضوع واقعی می‌توانیم این بازی را انجام دهیم. بعد از اینکه ما یکی دو نمونه تمرین دادیم، از بچه‌ها بخواهیم خودشان این کار را با چند موضوع متفاوت انجام دهند. مثلاً یک بار موضوع «برف» را روی تخته بنویسیم و از بچه‌ها بخواهیم با بازی «چه می‌شد اگر»

موضوع جدید بسازند. ممکن است آن‌ها تخیل خود را رها کنند و پیشنهاد دهند:

چه می‌شد اگر در تابستان برف می‌بارید؟
چه می‌شد اگر به جای دانه‌های برف، از آسمان سکه می‌بارید؟
چه می‌شد اگر دانه‌های برف فلزی بودند؟
چه می‌شد اگر دانه‌های برف توپ می‌شدند؟
چه می‌شد اگر دانه‌های برف از زمین به آسمان پرتاب می‌شدند؟
چه می‌شد اگر هر زمان که اراده می‌کردیم برف می‌بارید؟
چه می‌شد اگر ...

وقتی بچه‌ها پیشنهاد می‌دهند، هیچ پیشنهادی را رد نکنیم و هر چه گفتند روی تخته بنویسیم. یادمان باشد، قضاوت درباره‌ی اینکه این موضوع خوب نیست، جلوی خلاقیت بچه‌ها و فوران موضوع را می‌گیرد. وقتی به تعداد دانش‌آموزان، ایده‌های جدیدی با موضوع «چه می‌شد اگر برف» تولید شد، حالا از آن‌ها می‌خواهیم درباره‌ی هر کدام که می‌خواهند، انشا بنویسند.

این بازی را با هر موضوعی می‌توانیم اجرا کنیم؛ بهار، سنگ، دریا، باد، غبار، سوزن، برنج، جوجه، هواپیما و کفش. یک بار آن را در کلاس اجرا کنید تا نتیجه‌ی شیرینش در کام بچه‌ها بنشیند.
اگر از این روش‌ها استفاده کردید و مایل بودید، لطفاً نمونه کارهای بچه‌ها را به ایمیل مجله به نشانی ebtedayi@roshdmag.ir بفرستید.



تجربه‌ای از یک کارگاه نویسندگی

از مرثیه تا مجله

در کلاس پنجم من، هفته‌ای یک روز کارگاه نویسندگی برگزار می‌شود. در این زمان سعی می‌کنم کارگاه را در فضایی متفاوت‌تر از فضای کلاس، مثل حیاط، کتابخانه، دفتر مدیر، آبدارخانه، نمازخانه و هر قسمتی از مدرسه که کمتر مورد توجه است، تشکیل دهم. هدفم از تشکیل هفتگی این کارگاه، تربیت نگاه دانش‌آموزان برای مشاهده کردن است تا بتوانند درباره‌ی هر آنچه می‌بینند، به‌خوبی بنویسند. آن‌ها را نسبت به هر چیزی در محیط اطرافشان حساس می‌کنم و می‌خواهم تمام جزئیات را برای نوشتن به کار بگیرند.

از دور درخت را می‌دیدیم که در باغچه‌ی قدیمی به پهلوان افتاده بود. با اشاره‌ی دانش‌آموز، کم‌کم همه دور آن درخت جمع شدیم. از شدت ناراحتی نتوانستیم حتی کلمه‌ای برای حرف زدن رد و بدل کنیم. من که محو ریشه‌های از خاک بیرون آورده‌ی درخت شده بودم، یک لحظه سرم را بالا آوردم و دیدم بچه‌ها بی‌درنگ مشغول نوشتن شده‌اند. کلمات یکی پس از دیگری روی کاغذهایشان جاری می‌شد. نگاه اندوهگین و محوشان همراه با حرکت سریع قلم روی کاغذ، نوید یک جلسه‌ی نویسندگی مؤثر را می‌داد. پس از نوشتن، از من خواستند نوشته‌هایشان را بخوانند. آن روز، من به‌عنوان شنونده، تعدادی از احساس‌ترین و بی‌تکلف‌ترین نوشته‌ها را از زبان بچه‌ها شنیدم.

پس از آن، همه تحت‌تأثیر نوشته‌های یکدیگر درباره‌ی درخت قرار گرفته بودند. دلم نمی‌آمد این حجم از عاطفه، گوشه‌ای از دفترشان برای همیشه خاک بخورد. به دنبال راهی گشتم تا همه‌ی آن‌ها را در یک مجموعه کنار هم جمع کنم. دلم می‌خواست افراد دیگر هم از این نوشته‌ها لذت ببرند. با مدیر مدرسه هم‌فکری کردیم. بهترین راه به نظرمان چاپ یک مجله بود. در پی پیگیری‌های مداوم، جمع‌آوری آثار، دسته‌بندی و ویرایش نوشته‌ها، اولین مجله‌ی مدرسه‌ی ما با عنوان «**توبوس مدرسه**» به چاپ رسید. بچه‌ها از خوش‌حالی در پوست خود نمی‌گنجیدند و برای نشان دادن نوشته‌هایشان به یکدیگر، سر از پا نمی‌شناختند. حالا درد دل‌های درخت به پهلوان افتاده دست به دست در مدرسه می‌چرخید. بدون شک، بار غم از دست دادنش برای ما سبک‌تر از قبل شده بود.



در یکی از این کارگاه‌ها، از دانش‌آموزان خواستم به حیاط مدرسه بروند و درباره‌ی جذاب‌ترین پدیده‌ای که مشاهده می‌کنند، یک بند بنویسند. آن‌ها در حیاط بزرگ مدرسه پخش شده بودند. هر کدام سعی می‌کردند بهترین پدیده‌ی اطرافشان را برای نوشتن کشف کنند. در همین حال، یکی از دانش‌آموزان با شتاب به سمت من دوید و گفت: خانم، به نظر من بهترین پدیده، گوشه‌ی سمت چپ حیاط است که درخت کهنسال باغچه را از ریشه درآورده‌اند. می‌خواهند باغچه را به قسمت دیگری از حیاط مدرسه انتقال دهند.

قند و پند پارسی

خواندن کتاب‌های مربوط به ادبیات کلاسیک ایران، علاوه بر تقویت و استحکام واژگان و ضرباهنگ‌های زبان فارسی، ما را با اندیشه‌های عمیق آشنا می‌کند که نیاز واقعی امروز ماست.

در دوره‌ی جدید مجله، بخش جدیدی را به نام «قند پارسی» گشوده‌ایم. در این بخش خواهیم کوشید شما را با پاره‌ای از متون درجه اول نظم و نثر فارسی و نقد و نظریه‌هایی درباره‌ی این زبان آشنا سازیم. امیدواریم این صفحات بتوانند علاوه بر تلطیف ذوق خوانندگان عزیز مجله، شما را در آموزش بهتر زبان فارسی به نوآموزان، این فرزندان آینده‌ی ایران، و علاقه‌مند ساختن آنان به این رکن بزرگ هویت و همبستگی ما یاری‌رسان باشند. نخستین بخش را به **سعدی** اختصاص داده‌ایم که نقش بی‌بدیل او در پرداخت زبان شیرین فارسی در قرن‌های اخیر بی‌نیاز از تعریف است.

گاهی شنیده می‌شود اهل ذوق اعجاب می‌کنند که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است. حق این است که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است، بلکه ما پس از هفتصد سال به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم؛ یعنی سعدی شیوه‌ی نثر فارسی را چنان دلنشین ساخته که زبان او زبان رایج فارسی شده است. و ای کاش ایرانیان قدر این نعمت بدانند و در شیوه‌ی بیان دست از دامان شیخ برندارند، که به فرموده‌ی خود او «حد همین است سخن‌گویی و زیبایی را»!

کتاب گلستان یکی از زیباترین کتاب‌های نثر فارسی است. شاید

بتوان گفت در سراسر ادبیات جهانی بی‌نظیر است و خصایصی دارد که در هیچ کتاب دیگر نیست. نثری است آمیخته به شعر؛ یعنی برای هر شعر و جمله و مطلبی که به نثر ادا شده، یک یا چند شعر فارسی و گاهی عربی شاهد آورده است که آن معنی را می‌پرورد و تأیید و توضیح و تکمیل می‌کند و آن نثر و این شعر هر دو به درجه‌ی کمال‌اند.

(مقدمه‌ی گلستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود مُمَدِّ حیات است و چون بر می‌آید مَفَرِّحٌ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

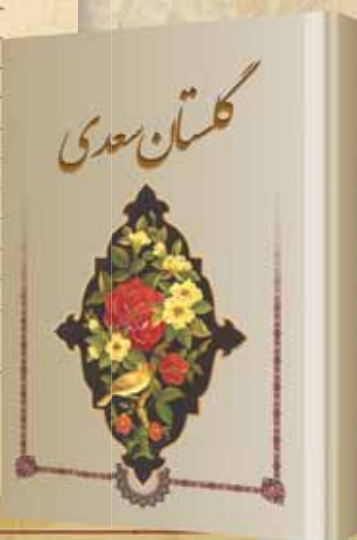
از دست و زبان که برآید
کز عهده‌ی شکرش به در آید
اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشَّكُورِ
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش
کس نتواند که به جای آورد

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان
نعمت بی‌دریش همه جا کشیده. پرده‌ی ناموس
بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به
خطای منکر نبرد.

ای کریمی که از خزانه‌ی غیب
گبر و ترسا وظیفه‌خور داری
دوستان را کجا کنی محروم
تو که با دشمن این نظر داری

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردی^۳ بگسترده و
دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین
بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبزه ورق
در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم^۴ موسم ربیع^۵ کلاه
شکوفه بر سر نهاده. عصاره‌ی نالی به قدرت او شهد
فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته^۶.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سر گشته و فرمان بردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری



حکایت در اخلاق درویشان

یکی از جمله صالحان به خواب دید پادشاهی را در بهشت و پارسایی در دوزخ. پرسید که موجب در جات این چیست و سبب درکات^۷ آن، که مردم به خلاف این معتقد بودند! ندا آمد که این پادشاه به ارادت درویشان به بهشت اندرست و این پارسا به تقرب^۸ پادشاهان در دوزخ. دلقت^۱ به چه کار آید و مسخی^{۱۰} و مرقع^{۱۱} خود را ز عمل های نکوهیده بری دار حاجت به کلاه بزکی^{۱۲} داشتنت نیست درویش صفت باش و کلاه تتری^{۱۳} دار

حکایت در فواید خاموشی

ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحب دلی بر او بگذشت. گفت: تو را مشاھر^{۲۴} چند است؟ گفت: هیچ. گفت: پس این زحمت خود چندین چرا همی دهی؟ گفت از بهر خدا می خوانم. گفت: از بهر خدا بخوان!

گر تو قرآن بر این نمط^{۲۵} خوانی
بیری رونق مسلمانی

نصایح

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند؛ یکی آنکه اندوخت و نخورد، و دیگر آنکه آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند
چار پایی برو کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر
که برو هیزم است یا دفتر

علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن
هر که پرهیز و علم و زهد فروخت
خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت

عالم ناپرهیزگار کور مشعله دار^{۲۶} است.
بی فایده هر که عمر در باخت
چیزی نخرید و زر بینداخت

پادشاهان به صحبت^{۲۷} خردمندان از آن محتاج ترند که خردمندان به قربت پادشاهان.

پندی، اگر بشنوی^{۲۸}، ای پادشاه
در همه عالم به از این پند نیست
جز به خردمند مفرما عمل

حکایت در فضیلت قناعت

هرگز از دور زمان^{۱۴} ننالیده بودم و روی از گردش آسمان^{۱۵} درهم نکشیده، مگر وقتی که پایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشی نداشتیم؛ به جامع^{۱۶} کوفه در آمدم دلتنگ. یکی را دیدم که پای نداشت. سپاس نعمت حق به جای آوردم و بر بی کفشی صبر کردم.

مرغ بریان به چشم مردم سیر
کمتر از برگ تره^{۱۷} بر خوان^{۱۸} است
و آن که را دستگاه و قوت^{۱۹} نیست
شلغم پخته مرغ و بریان است

حکایت در سیرت پادشاهان

دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگر به زور بازو نان خوردی. باری؛ این توانگر گفت درویش را که چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟ گفت تو چرا کار نکنی تا از مذلت^{۲۰} خدمت رهایی یابی؟



گر چه عمل کار خردمند نیست

سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و مُلک بی سیاست

نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش

یکی اول از تندرستان منم

که ریشی ببینم بلرزد تنم

پی‌نوشت‌ها

۱. مدرسان ۲. فرح‌بخش ۳. سبزرنگ ۴. استقبال ۵. بهار ۶. بالیده و سربرافراخته ۷. جمع درک. عقوبت و سختی جهنم ۸. نزدیکی ۹. لباس درویشی ۱۰. نوعی کفش ۱۱. جامه‌ی وصله‌دار ۱۲. کلاه تهیه شده از برگ ۱۳. تاتاری ۱۴. سختی روزگار ۱۵. تقدیر ۱۶. مسجد ۱۷. سبزی خوردن ۱۸. سفره ۱۹. توانایی مالی ۲۰. سختی و خواری ۲۱. آهک داغ ۲۲. تابستان ۲۳. زمستان ۲۴. مزد ۲۵. شیوه ۲۶. کور چراغ به‌دست ۲۷. هم‌نشینی ۲۸. اگر اهل شنیدن باشی ۲۹. بخشکید ۳۰. زورمندان و پهلوانان ۳۱. علف ۳۲. ثروت ۳۳. توانا ۳۴. نهایت ۳۵. تو که غمی نداری ۳۶. مرغابی ۳۷. آن مرد دانا ۳۸. نادان ۳۹. زخم

حکایتی از بوستان

چنان قحط سالی شد اندر دمشق
که یاران فراموش کردند عشق
چنان آسمان بر زمین شد بخیل
که لب تر نکردند زرع و نخیل
بخوشید^{۲۹} سرچشمه‌های قدیم
نماند آب جز آب چشم یتیم
نبودی به‌جز آه بیوه‌زنی
اگر بر شدی دودی از روزنی
چو درویش بی‌برگ دیدم درخت
قوی بازوان^{۳۰} سست و درمانده سخت
نه در کوه سبزی نه در باغ شخ^{۳۱}
ملخ بوستان خورد و مردم ملخ
در آن حال پیش آدم دوستی
از او مانده بر استخوان پوستی
و گر چه بمکنت^{۳۲} قوی حال^{۳۳} بود
خداوند جاه و زر و مال بود
بدو گفتم ای یار پاکیزه خوی
چه درماندگی پیشست آمد بگوی
بغیرد بر من که: عقلت کجاست؟
چو دانی و پرسى سؤال خطاست
نبینی که سختی به غایت^{۳۴} رسید
مشقت به حد نهایت رسید
نه باران همی آید از آسمان
نه برمی‌رود دود فریاد خوان
بدو گفتم آخر تو را باک نیست^{۳۵}
کشد زهر جایی که تریاک نیست
گر از نیستی دیگری شد هلاک
تو را هست، بط^{۳۶} را ز طوفان چه باک؟
نگه کرد رنجیده در من فقیه^{۳۷}
نگه کردن عالم اندر سفیه^{۳۸}
که مرد ارچه بر ساحل است ای رفیق
نیاساید و دوستانش غریق
من از بینوایی نی‌ام روی زرد
غم بی‌نوایان رخم زرد کرد
نخواهد که ببند خردمند^{۳۹} ریش



به کدام مدرسه می‌رویم؟

آیا مدرسه‌های ما محیط‌هایی هستند امن، منعطف، پویا و برانگیزاننده برای پاسخ‌گویی به نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان؟! آیا مدرسه‌ها به زبان و مطابق میل بچه‌ها برای تعلیم و تربیت آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند؟ آیا آرزوهای بچه‌ها با خواسته‌ی بزرگ‌ترها منافاتی دارد یا تنها راه‌ها متفاوت هستند؟

مدرسه از نظر بچه‌ها

خوراکی نخور! از جات بلند نشو! بی‌اجازه حرف زن! با بغل‌دستیت حرف زن! از روی درس بخون! پرسش‌ها رو جواب بده! با این کلمه‌ها جمله بساز! شعرها رو حفظ کن! از روی غلط دیکته‌ها بنویس! نقاشی این وسیله رو بکش! تو حیاط ندو! موبایل نیا. این کار رو بکن! اون کار رو نکن! ...بکن! ...نکن! ...بکن! ...نکن!

مدرسه از نظر اولیای مدرسه

معلم: مدرسه جایی است برای آموزش سواد و یادگرفتن آداب و رفتار اجتماعی.
مدیر: مدرسه کارخانه‌ی آدم‌سازی است.
کارشناس تربیت بدنی: مدرسه جایی است که بچه‌ها می‌توانند در آن کمی تحرک داشته باشند تا سالم بمانند.
کارشناس آموزش و پرورش: در همه جای دنیا، مدرسه یک حیاط است و چند کلاس و معلم که همگی کمک می‌کنند بچه درس بخواند و باسواد شود.
مشاور روان‌شناس: مدرسه اولین نهاد اجتماعی است که کودک وارد آن می‌شود تا هم سواد بیاموزد و هم رفتار درست.

مدرسه از نظر اولیای خانه

پدر: مدرسه لازم است برای باسواد شدن. من این همه زحمت می کشم که فرزندم از من موفق تر شود.

مادر: مدرسه جایی است برای تجربه ای اجتماعی؛ برای پخته تر شدن.

خواهر پیش دبستانی: مامانم می گوید همه باید بروند مدرسه و درس بخوانند تا باسواد شوند.

برادر دانشجو: راستش مدرسه جایی است که بچه ها را در دوره ی نوجوانی و جوانی کنترل می کند تا به بیراهه نروند.

خان عمو: برای برادرزاده ی من مدرسه جایی است که باسواد شود و در آینده کارهای شود.

مادر بزرگ: بچه ها باید خوب بزرگ شوند. بالاخره در مدرسه معلمان و کارشناسان تربیتی می دانند با بچه ها چطور رفتار کنند که مجبورشان کنند درس بخوانند. ما که از پسرشان بر نمی آییم.

مدرسه از نظر برنامه ی درسی ملی

محیط مدرسه خانه ی دوم متربیان تلقی می شود، به گونه ای که در آن فعالیت های یاددهی-یادگیری زمینه ی تحقق اهداف درسی و تربیتی را فراهم می کنند و امکانات و تجهیزات آن در جهت تحقق «مدرسه ی زندگی» سامان دهی و مدیریت می شود. «مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است. اما یادگیری به آن محدود نمی شود و سایر محیط ها نظیر محیط های اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد.

محیط یادگیری با بهره گیری از ظرفیت های نظام هستی، محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزاننده و غنی را برای پاسخ گویی به نیازها، علاقه ها و ویژگی های دانش آموزان تدارک می بیند. همچنین، با بهره گیری از ظرفیت و قابلیت محیط های مجازی و رسانه ها، زمینه ی بهبود موقعیت دانش آموزان و ارتقای فرایند یاددهی-یادگیری را فراهم می آورد» (برنامه ی درسی ملی، ص ۱۴-۱۳).



مدرسه از نظر آیین نامه ی اجرایی مدارس

مدرسه از مهم ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت و رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان بر اساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی، برابر ضوابط و دستورالعمل های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود (آیین نامه ی اجرایی مدارس، مصوب ۱۳۷۹).

مدرسه در آرزوهای دانش آموزان

É در زنگ مطالعات اجتماعی بازی های فکری انجام دهیم؛ بازی هایی مثل: تصمیم گیری، مشورت کردن، طبقه بندی، پیش بینی، راست گویی، محبت به دیگران و احساس مسئولیت. É در زنگ علوم وسایل ساده ای مثل ساعت آفتابی، بادنما و قطب نما بسازیم. به طبیعت برویم و پدیده های طبیعی را ببینیم و حس کنیم.

É در زنگ ریاضی مسئله های واقعی حل کنیم. مثلاً به فروشگاه برویم و خرید کنیم. پول واقعی به مغازه دار بدهیم و قیمت خریدمان را حساب کنیم.

É در زنگ فارسی قصه ی اتفاقات خوب و بد را بنویسیم تا دیکته یاد بگیریم. به ما اجازه بدهند داستان های تخیلی خودمان را تعریف کنیم. قصه های جذاب تاریخی بخوانیم. از زیبایی های طبیعت حرف بزنیم.

É در زنگ ورزش اجازه داشته باشیم در حیاط مدرسه کمی بدویم، بازی و شادی کنیم و بازی های محلی انجام دهیم.

É در زنگ هدیه های آسمانی به دوستانمان مهربانی کنیم. ایمان داشتن را حس کنیم. احترام به بزرگ ترها را یاد بگیریم. وجود خودمان را بشناسیم.

É در زنگ تفریح، در حیاط مدرسه جا داشته باشیم تا با دوستانمان حرف بزنیم، بازی کنیم و بدویم.

آنچه دانش آموزان از مدرسه می خواهند، با آنچه خود مدرسه، خانواده و اسناد بالا دستی آموزش و پرورش بر آن تأکید می کنند، تفاوت اساسی ندارد؛ تنها روش ها و شیوه های اجرا متفاوت هستند. اگر آموزش های مدرسه ای را به زندگی واقعی بچه ها نزدیک کنیم، آرزوهایشان را برآورده کرده ایم و خوب زیستن را یادشان داده ایم.



مدرسه‌ی چند پایه‌ای در پایتخت

گروه برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه‌ی دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی، با قصد شناسایی مسائل معلم و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، گفت‌وگویی با یکی از معلمان کلاس‌های چندپایه انجام داده است که گزارش آن را در ادامه می‌خوانید.

می‌نشینند، اما اوقاتی که در کلاس دیگر هستند، معلم بعد از ارائه‌ی برنامه‌ها و تکالیف به آن‌ها، سراغ دانش‌آموزان چهارم تا ششم می‌رود و طبق برنامه‌ی درسی‌شان، با آن‌ها کار می‌کند. در این بین، گاهی به کلاس دیگر سر می‌زند، یا از همیاران معلم چهارم، پنجم یا ششم که فعالیت خود را تمام کرده‌اند، برای نظارت به کلاس کوچک‌ترها کمک می‌گیرد. گاهی نیز همسر آقای استادی مراقبت از دانش‌آموزان کوچک‌تر را در حیات مدرسه به عهده دارد. معلم و خانواده‌اش در طبقه‌ی بالای مدرسه زندگی می‌کنند.

برای گفت‌وگو به اتاق دیگری رفتیم. دعوت می‌کنیم این گفت‌وگو را بخوانید.

• لطفاً درباره‌ی خودتان برای ما بگویید.

○ من فوق‌دیپلم آموزش ریاضی و لیسانس آموزش ابتدایی هستم. ۲۱ سال سابقه‌ی معلمی دارم که شش سال اول را در دوره‌ی راهنمایی در روستا ریاضی درس می‌دادم و ۱۵ سال آن را در روستا و کلاس‌های چندپایه مشغول بوده‌ام. امسال کلاس من پنج پایه است و ۱۱ دانش‌آموز دارد. در پایه‌ی اول ۳ نفر، پایه‌ی دوم ۱ نفر، پایه‌ی سوم نداریم، پایه‌ی چهارم ۳ نفر، پایه‌ی پنجم ۲ نفر و پایه‌ی ششم ۲ نفر مشغول تحصیل هستند.

• کمی درباره‌ی شرایط کاری خود در کلاس چندپایه بگویید.

○ من تنها نیروی استخدام رسمی این مدرسه هستم و خودم تمامی نقش‌های نیروهای یک مدرسه را ایفا می‌کنم. حتی گازوییل لازم برای گرمایش مدرسه را خودم تهیه می‌کنم. البته گاهی همسر من کمک می‌کند. ما در طبقه‌ی بالای ساختمان مدرسه زندگی می‌کنیم.

دبستان چندپایه‌ی شهید خداکرمی، در روستای زیبای کشار سفلی، در منطقه‌ی ۵ آموزش و پرورش شهر تهران قرار دارد. این دبستان با یک کلاس پنج پایه و ۱۱ دانش‌آموز دختر و پسر در پایه‌های اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم، تنها مدرسه‌ی یک کلاسه‌ی روستاست.

روستای کشار سفلی از توابع بخش کن، در دل منطقه‌ای کوهستانی با چشم‌اندازی زیبا، آسمانی آبی و هوایی پاک، در کوچه‌باغ‌های پرپیچ‌وخم، با مردمی ساده و صمیمی قرار دارد. بعد از عبور از دو کوچه‌ی نسبتاً باریک با سربالایی تندی که برخی قسمت‌های آن برای سهولت رفت‌وآمد افراد روستا سنگفرش شده است، به مدرسه رسیدیم. وارد مدرسه شدیم. بچه‌ها (که بعداً فهمیدیم پایه‌های چهارم، پنجم و ششم هستند) به‌طوری غرق بازی و خنده بودند که متوجه حضور ما نشدند. به آن‌ها سلام کردیم.

سریع پاسخ دادند و دوباره مشغول بازی شدند. به تقاضای ما، یکی از پسرها که بزرگ‌تر بود، به داخل ساختمان کوچک مدرسه رفت و معلم را که درواقع مدیر، معاون، مربی بهداشت، مربی پرورشی، دفتردار و سرایدار بود، صدا زد. مردی نسبتاً قدبلند و لاغراندام، با موهایی که به نظر زودتر از موعد جوگندمی شده بودند، با خوش‌رویی تمام به استقبال ما آمد و بسیار گرم و صمیمی ما را به داخل ساختمان مدرسه دعوت کرد.

با آقای علیرضا استادی، معلم با سابقه‌ی کلاس چندپایه، در بازدید از مدرسه همراه شدیم.

معلم دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم را در یک کلاس که کاربری چندمنظوره دارد، دور یک میز به نسبت بزرگ نشانداده بود و دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم را در کلاسی دیگر که نیمکت دارد، سامان‌دهی کرده بود. به نظر می‌رسید گاهی اوقات دانش‌آموزان اولی و دومی در یک کلاس با چهارمی تا ششمی‌ها

● شما چگونه پنج پایه‌ی تحصیلی را برنامه‌ریزی و در یک روز تدریس می‌کنید؟

○ سال‌های اول خیلی اذیت می‌شدم. واقعاً نمی‌دانستم چه کاری باید انجام بدهم، اما الان تجربه‌ی بیشتری پیدا کرده‌ام و توانسته‌ام خودم را با شرایط وفق بدهم. البته حضور خانم **مرادمند** (راهنبر کلاس‌های چندپایه‌ی منطقه‌ی ۵) خیلی مفید و دلگرم‌کننده است. کاغذ کوچکی را که چند سطری روی آن نوشته شده است، نشان می‌دهد و می‌گوید: «اینجا نوشته‌ام امروز در هر پایه چه کاری باید انجام شود. این فعالیت‌ها را طوری طراحی می‌کنم که معلم و دانش‌آموز هر دو درگیر موقعیت یادگیری شوند و با هم تدریس را پیش ببرند. من از روز قبل با بچه‌ها هماهنگ می‌کنم چه کار می‌خواهیم انجام دهیم تا آمادگی نسبی داشته باشند. بنابراین، ابتدا ارزشیابی کوچکی انجام می‌دهم و برخی از پایه‌ها را، با توجه به شرایط درس و کلاس، به پایه‌های بالاتر می‌سپارم. یک هم‌یار در پایه‌ی ششم دارم که به پایه‌های چهارم و پنجم رسیدگی می‌کند و یک هم‌یار هم در پایه‌ی چهارم به اولی‌ها و دومی‌ها کمک می‌کند.»

● زمانی که هم‌یار به پایه‌های پایین‌تر کمک می‌کند، برای برنامه‌ی درسی خودش چه اتفاقی می‌افتد؟

○ این هم‌یاری معمولاً در زمان‌هایی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز یا کارش را سریع‌تر انجام داده (در مورد دانش‌آموزان قوی‌تر) یا گاهی که خودش برنامه‌ی خاصی ندارد، مثلاً من درس را از او پرسیده‌ام، به پایه‌ها سرکشی و کمک می‌کند.

● شما در کلاستان سه دانش‌آموز پایه‌ی اولی دارید. بحث زبان‌آموزی در این پایه بسیار مهم و اختصاصی است. این موضوع را چطور با دیگر پایه‌ها هماهنگ می‌کنید؟

○ همان‌طور که گفتم، من برنامه دارم و از راه‌های گوناگونی استفاده می‌کنم. البته این را باید بگویم، سالی که دانش‌آموز پایه‌ی اول دارم، واقعاً سال سختی است! حتی با این سابقه‌ی معلمی هم کمی نگران می‌شوم!

● برخی از راهبردهایی را که استفاده می‌کنید برای ما بگویید؟

○ مثال می‌زنم، یک روز در نیمی از پایه‌ها تدریس می‌کنم و روز دیگر در بقیه‌ی پایه‌ها. یا اینکه از زنگ‌های تفریح ناهم‌زمان استفاده می‌کنم. یکی دیگر از کارهایی که در مدیریت کلاس به من کمک می‌کند، استفاده از هم‌یار معلم برای پرسش‌های کلاسی، دیدن تکالیف و فعالیت‌های خارج از کلاس و گزارش‌های دانش‌آموزان است. گاهی هم از روش خودآموزی استفاده می‌کنم؛ در درس‌هایی که بدون من هم می‌توانند آن‌ها را یاد بگیرند.





تدریس، از فیلم هم استفاده می‌کنم.

• آیا شما به راهبردی برای سهولت تدریس فکر کرده‌اید؟
○ به نظر من بهترین راهبرد تلفیق پایه‌هاست که همه‌ی پایه‌ها را درگیر فرایند آموزش می‌کند.

• آیا تا به حال از این راهبرد، یعنی «آموزش مفاهیم مشترک» در چندپایه، در درسی استفاده کرده‌اید؟
○ بله. محیط‌های روستایی به‌گونه‌ای هستند که برای مثال در درس‌هایی مثل علوم، از مشاهده و گردش در طبیعت می‌توان خیلی استفاده کرد؛ مثل جمع کردن برگ‌ها، مشاهده‌ی دقیق و سپس توصیف آن‌ها یا کشیدن شکل برگ. در درس هدیه‌های آسمان، سال گذشته درس‌های «تماز»، «ما به مسجد می‌رویم» و «مسجد آدینه» را با هم درس دادم.

• به نظر شما امکان دارد برخی از درس‌ها را به‌صورت بسته‌ی خودآموز برای دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی آماده کرد؟ یعنی دانش‌آموزان از ابتدا تا انتهای فرایند یادگیری را خودشان مدیریت کنند و در انتها برگه‌ی ارزشیابی خود را به معلم بدهند و بازخورد دریافت کنند.
○ اگر چنین بسته‌ای باشد، می‌تواند در مدیریت و استفاده از وقت کلاس به ما کمک کند.

• به نظر تان امکان دارد دو یا سه درس را با هم تلفیق کرد؟

○ اگر مفاهیم و درس‌هایی که امکان تدریس با هم را دارند برای ما معلوم شود و مثل یک فهرست در اختیار معلمان قرار بگیرد تا ما در زمان‌های لازم از آن استفاده کنیم، خیلی مفیدتر خواهد بود.

البته من نیز مانند معلمان دیگر جدول‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی هفتگی، ماهانه و سالانه دارم، اما واقعاً حجم درس‌ها، حتی در کلاس‌های یک پایه، معلم را با مشکل روبه‌رو می‌کند، چه برسد به کلاس‌های چندپایه!

• آیا ساعت‌های کاری شما مانند مدرسه‌های تک‌پایه است؟

○ بله. ما تا ساعت ۱۲:۳۰ در مدرسه هستیم. البته گاهی با هماهنگی اولیا، بچه‌ها را بیشتر نگه می‌دارم. ما علاوه بر تعطیلات مرسوم در دیگر مناطق، به خاطر سرما و بارش زیاد برف، در فصل زمستان تعطیلات بیشتری داریم و من مجبورم با ساعت‌های اضافه درس را پیش ببرم.

• آیا ایده‌ای دارید که عملی شدن آن به معلمان چندپایه سراسر کشور کمک کند؟

○ من فکر می‌کنم اگر کلاس‌های چندپایه به ابزاری مانند رایانه، ویدیوپروژکتور، لوح‌های فشرده‌ی آموزشی و حتی فیلم‌های کارتون‌ی مجهز شوند، معلم می‌تواند گاهی با استفاده از آن‌ها به امور کلاس سر و سامان بدهد. علاوه بر آن، تدریس از طریق فیلم آموزشی یکی از راهکارهای برنامه‌ی درسی است که به تسهیل آموزش کمک می‌کند.

• شما بیشتر برای چه درس‌هایی از فیلم استفاده می‌کنید؟

○ روخوانی و روان‌خوانی قرآن؛ علوم.

• آیا تاکنون برای ریاضی هم از فیلم استفاده کرده‌اید؟
○ خیلی کم. ترجیح می‌دهم خودم تدریس کنم. گاهی حین

● نظر شما درباره‌ی تألیف کتاب‌های درسی مخصوص کلاس‌های چندپایه چیست؟ مثلاً قرآن دوره‌ی اول و دوره‌ی دوم.

○ تألیف کتاب برای کلاس‌های چندپایه فکر خوبی است، اما به نظر من بهتر است ابتدا در برخی مدرسه‌ها اجرای آزمایشی شود.

● به نظر شما، با تألیف این کتاب‌ها ممکن است دانش‌آموزی که از ابتدایی به متوسطه‌ی اول می‌رود، دچار کاستی در آموزش شود؟

○ فکر نمی‌کنم مشکلی به وجود بیاید که قبلاً نبوده است، چرا که درواقع معلم به‌صورت غیررسمی این کار را انجام می‌دهد و فرصتی که همه‌ی زیر و زبر کتاب را درس بدهد ندارد.

● منظور تان این است که در هر دوره به مفاهیم و اهداف اصلی هر موضوع درسی توجه شود؟ شما به‌عنوان معلم چگونه تشخیص می‌دهید اهداف اصلی هر درس چیست؟

○ من بیشتر به طریق تجربی این کار را انجام می‌دهم. مثلاً وارد ریزه‌کاری‌های کتاب نمی‌شوم. برخی آزمایش‌ها را وقت نمی‌کنم در مدرسه انجام دهم. گاهی هم بچه‌های آن منطقه‌ی آموزش و پرورش را در اداره جمع می‌کنیم و کل آزمایش‌ها را برایشان انجام می‌دهیم.

● به‌عنوان سؤال آخر، اگر قرار باشد راهنمای معلمی برای معلمان کلاس‌های چندپایه تولید شود، به نظر تان این راهنما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

○ علاوه بر مطالبی که تا به حال عرض کردم، به نظرم این راهنما باید طوری باشد که به ما معلمان کلاس‌های چندپایه، که به‌شدت با کمبود وقت و زمان روبه‌رو هستیم، کمک کند. حجم کتاب‌های فعلی مخصوص کلاس‌های تک‌پایه است. حالا اگر کتاب درسی تغییر کند و ویژه‌ی کلاس‌های چندپایه طراحی شود، خوب است راهنمایی‌هایی کاربردی برای استفاده از کتاب مطرح شوند یا راهبردهایی ارائه شوند تا بتوانیم از وقت کلاس بهتر و بیشتر استفاده کنیم.

● جناب آقای استادی، از مشارکت و همراهی شما در این گفت‌وگو بسیار سپاسگزارم. امیدوارم بتوانیم با کمک یکدیگر برای یاری رساندن به معلمان و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه گام‌های مؤثری برداریم.

○ ان‌شاءالله. من هم ممنونم. حضور شما در مدرسه به ما معلمان دلگرمی می‌دهد.

فعالیت‌های خاص آقای استادی

É او برای اداره‌ی درس‌ها و کلاس از تجربه‌ی کسب شده در سال‌های کار در چندپایه (۱۵ سال) بهره می‌برد. درواقع، در هر موضوع درسی مطالب اصلی را تدریس می‌کند و به قول خودش نمی‌تواند وارد ریزه‌کاری‌های کتاب شود؛ اما از راه‌های زیر برای اداره‌ی درس‌ها و کلاس بهره می‌برد:

É در درس‌های قرآن و علوم فیلم پخش می‌کند.

É ساعت‌های تفریح را به‌صورت ناهم‌زمان برگزار می‌کند.

É از دو کمک هم‌یار معلم در پایه‌های چهارم و پنجم استفاده می‌کند.

É از کمک و همراهی همسر خود و گاهی اولیا بهره می‌گیرد.

É فقط آزمایش‌ها و فعالیت‌های مهم را انجام می‌دهد.

É گاهی از روش تدریس یک موضوع مشترک در برخی درس‌ها مثل احکام در هدیه‌های آسمان، قرآن و هنر استفاده می‌کند.

É هم‌یاران معلم در اجرای برنامه‌ی درسی در پایه‌های پایین‌تر به او بسیار کمک می‌کنند.

É در بخش ارزشیابی، از برخی ابزار و روش‌های ارزشیابی توصیفی استفاده می‌کند.

É تمام دانش‌آموزان او پوشه‌ی کار دارند که نمونه‌ی فعالیت‌هایشان در آن قرار می‌گیرد. معلم در پایین هر برگه‌ی فعالیت بازخورد خود را می‌نویسد.

دغدغه‌ی آقای استادی

بیشترین دغدغه‌ی معلم، حجم بالای کتاب درسی در کلاس‌های چندپایه و زمان کم برای تدریس، و حضور دانش‌آموزان پایه‌ی اول در کنار دیگر پایه‌هاست.

پی‌نوشت:

۱. کارشناس گروه برنامه‌ریزی و ارزشیابی دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه‌ی نظری - کلاس‌های چندپایه



خوب دیگران را برای کلاس درس خود متناسب‌سازی کنند و بدون فکر و چشم بسته آن‌ها را به کار نبرند.

۲. گروه‌های همیار: یک راه مدیریت کلاس‌هایی که دانش‌آموزانی با نیازهای یادگیری متفاوت دارند، تدریس همیارانه است. تدریس همیارانه شکل‌های متفاوتی دارد. برای مثال، معلمان می‌توانند با مدیریت متناسب کلاس را اداره کنند. در این حالت، معلم فرایند تدریس و یادگیری را به حرکت می‌اندازد و همیاران نظارت و کمک می‌کنند. اگر دانش‌آموزان در گروه‌های همیار و در انجام فعالیت‌های مشارکتی احساس راحتی کنند، کار را با کیفیت بهتری ارائه می‌دهند و به دلیل داشتن اهداف مشترک با گروه خود، فعالیت‌ها به نتایج بهتری منجر خواهد شد. همچنین، معلم امکان می‌یابد موقعیت‌هایی مؤثر و قابل فهم طراحی کند. یکی از نمونه‌های بارز توسعه فعالیت‌های مشارکتی دانش‌آموزان، پروژه‌های تحقیقاتی همیارانه است. در یک مدل از آن، هر یک از اعضای گروه مسئولیت فراهم آوردن بخشی از یک فعالیت یادگیری را بر عهده دارند و در پایان، با کنار هم گذاشتن اطلاعات به دست آمده، تصویر معناداری از موضوع پیدا می‌کنند (روش پازل یا جیگسا^۱). یک امتیاز آشکار روش‌های مشارکتی، برطرف کردن اضطراب یادگیری در کلاس‌های چندپایه است.

۳. گفت‌وگوی کلاسی: بیشتر معلمان به‌خوبی می‌توانند با طرح یک پرسش، گفت‌وگوی کلاسی را به جریان بیاورند، در حالی که

عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در کلاس‌های چند پایه

در سال‌های اخیر، همگام با توسعه کمی نظام آموزشی، مفهوم کیفیت آموزشی نیز مورد اقبال قرار گرفته است. کیفیت آموزشی امری اتفاقی نیست و برای رسیدن به آن کوششی دورنگر، مداوم و پویا، با یک حرکت مستمر به سمت هدف، لازم است.

کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه از طریق پیش‌بینی نیازهای آینده دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه، برنامه‌ریزی دقیق و منعطف، تدارک موقعیت‌های یادگیری متنوع و متناسب با شرایط بومی و محلی، تا حد زیادی تضمین می‌شود. وقتی از توسعه کیفیت در کلاس‌های چندپایه حرف می‌زنیم، دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌های علمی، عملی و ارزشی پیش‌بینی شده در برنامه‌ی درسی ملی منظور است. عوامل متعددی مانند فرهنگ، نگرش، برنامه‌ی درسی، جنسیت، سن، جامعه‌ی محلی، مقوله‌ی چندفرهنگی، و معلم و انعطاف‌های او، در ایجاد این شایستگی‌ها تأثیر گذارند. در این مقاله، به برخی از این عوامل می‌پردازیم.

۱. معلم: بسیاری از معلمان تازه‌کار مسیر کاری خود را با باورهایی شروع می‌کنند که در برخورد گذشته‌ی آن‌ها با معلمانشان ریشه دارد و آنچه را از کودکی درباره‌ی معلمی در ذهن و جانیشان نقش بسته است، به‌عنوان شیوه‌ی معلمی‌کردنشان به کار می‌گیرند. معلمان کلاس‌های چندپایه باید موقعیت‌هایی یادگیری طراحی کنند که دانش‌آموزان را درگیر و به سمت خودیادگیری هدایت کنند. آن‌ها باید تلاش و پشتکار دانش‌آموزان خود را پاداش دهند، نه نتایج دلخواه را. در عین حال خطاها را بپذیرند و از این طریق به اهداف آموزشی دست یابند و خودکارآمدی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. معلمان با آگاه کردن دانش‌آموزان از انتظارات خود، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند به سطوح مدنظر معلم خود دست پیدا کنند.

معلمان کلاس‌های چندپایه، به منظور ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای خود، لازم است با یکدیگر ارتباط مؤثری داشته باشند، تجربه‌ها و ایده‌های خود را درباره‌ی برنامه‌ریزی در کلاس درس، از طریق گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی، با یکدیگر به اشتراک بگذارند و در عین حال این مهارت را داشته باشند که ایده‌های

معلم داربست‌هایی را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد کرده است تا برای یادگیری از آن بالا بروند. ترغیب و راهنمایی معلم برای هدایت هر فرد در مسیر شخصی کمک می‌کند هر دانش‌آموزی متناسب با شرایط خود پیشرفت کند.

۴. فضای کلاسی، فضای عاطفی: مراقبت معلم از فضا یا جو کلاس چندپایه به معنی درک و پذیرفتن دانش‌آموزانی با جنسیت، سن و تحصیلات گوناگون در یک کلاس است. معلم می‌تواند از طریق تماس چشمی و زبان بدن نشان دهد که به آن‌ها توجه دارد و در خلال تعاملات، این پیام را که به مراتب مهم‌تر از موضوع درسی است، به دانش‌آموزان انتقال دهد.

۵. فضای فیزیکی: بیشتر معلمان کلاس‌های چندپایه از راهبرد تقسیم کردن و ایجاد ساختار بندی گروه‌های کوچک‌تر در کلاس برای بهتر مدیریت کردن کلاس استفاده می‌کنند. این تقسیم‌بندی می‌تواند بر اساس پایه یا موضوع درسی باشد. معلمان می‌توانند با تقسیم‌بندی‌های موضوعی، بر اساس گوشه‌ها یا مرکز کلاس، به سازمان‌دهی فضای کلاسی اقدام کنند. ساختار دیگر، تشکیل گروه‌های سه یا شش نفره است و استفاده از چینش دایره یا نیم‌دایره شکل. وقتی دانش‌آموزان بتوانند چهره‌های یکدیگر را ببینند، تعامل و درگیری کلاسی بهتر اتفاق می‌افتد و احتمال پاسخ‌گویی یک دانش‌آموز به دانش‌آموز دیگر بسیار بیشتر می‌شود و این کمک می‌کند دانش‌آموزان در زمینه‌ی آنچه در حال یادگیری آن هستند، با هم مشارکت کنند.

۶. جامعه‌ی محلی: مدیر آموزگار یک مدرسه در روستایی دورافتاده می‌تواند از طریق ایجاد روابط هیجانی مثبت میان معلمان و دانش‌آموزان مدرسه با مردم محلی، حس تعلق و پیوند تنگاتنگی ایجاد کند. ملاقات چهره به چهره می‌تواند برای معلمان و والدین بسیار خشنودکننده باشد. وقتی والدین در جریان اتفاقات و رویدادهای مدرسه قرار گیرند و برای مشاهده‌ی فعالیت‌هایی مثل ورزش، کارهای هنری، تولیدات علمی دانش‌آموزان و برگزاری نمایشگاه‌های کوچک فروش دستاوردهای محلی در مدرسه حضور یابند، فرصتی برای تعامل اجتماعی والدین و معلمان فراهم می‌شود و به ایجاد حس تفاهم و رابطه‌ی نزدیک آن‌ها کمک می‌کند.

مدیر-آموزگار، با تکیه بر تصمیم‌گیری مشارکتی دهیاری، همکاری مردم محلی و والدین داوطلب می‌تواند رویکردی اثربخش برای بهبود پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان در منطقه‌ای خاص ایجاد کند. مردم محلی می‌توانند برنامه‌ی درسی مدرسه‌ها و کلاس‌های چندپایه را تحت تأثیر قرار دهند. مدیر باید آماده باشد مشورت‌هایی را که در مدرسه انجام می‌شود، تغییرات جدید



آن‌ها باید بدانند چگونه تبادل نظر درباره‌ی یک موضوع را در کلاس به سطح گفت‌وگوی واقعی برسانند. انتخاب و طرح پرسش مناسب، یک مهارت معلمی است. پرسش‌هایی که پاسخ مشخص دارند، مانع ادامه‌ی بحث و گفت‌وگوی کلاسی می‌شوند، در حالی که پرسش‌های باز پاسخ به پاسخ‌های بیشتر می‌رسند. معلم باید پرسش‌ها را با دقت انتخاب کند و در عین حال برای زوایای جدید و مواضع مختلف مفهوم مورد بحث، آگاهی و آمادگی لازم را داشته باشد. در گفت‌وگوهای کلاسی، دانش‌آموزان باید بدانند، هر سؤال پاسخ‌های متعددی می‌تواند داشته باشد و قطعیتی در پاسخ به سؤال وجود ندارد. از دیگر عواملی که موجب تسهیل در گفت‌وگو می‌شود، اعتماد به نفس کافی برای گفتن «نمی‌دانم» است که موجب احساس امنیت دانش‌آموزان نسبت به شرایط نامشخص می‌شود. این عوامل نه تنها گفت‌وگوی بین دانش‌آموزان را شکل می‌دهد، بلکه آسان نیز می‌کند.

یکی از دشوارترین کارهای معلمان برای مدیریت گفت‌وگو این است که باید دانش‌آموزان را به‌خوبی بشناسند تا بتوانند آن‌ها را با پرسش‌های رشددهنده روبه‌رو کنند. فرایند پرسش و دادن فرصت و تأمل برای پاسخ، به پیشبرد تفکر در کلاس کمک می‌کند. اگر مفاهیم برای یادگیرندگان روشن نشوند، احتمال اشتباه و سردرگمی زیاد خواهد شد. درخواست از دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های دیگران با عبارات خود، این فرصت را فراهم می‌آورد تا دریافت همه‌ی دانش‌آموزان از مفاهیم اساسی تأیید شود. انگار که

به شکل گنبد زندگی می‌کنند». در این داستان، معلم از بافت خانه‌ی دانش‌آموز آگاهی نداشت. در تدارک تجربه‌های یادگیری، آگاهی از شرایط خانه، محل زندگی و فرهنگ بومی دانش‌آموزان بسیار مهم است.

۸. راهبردهای یادگیری: راهبردها مجموعه عملیاتی هستند که برای رسیدن به هدف معینی طرح‌ریزی می‌شوند. راهبردهای یادگیری و استفاده از آن‌ها در کلاس درس، علاوه بر توانمند کردن دانش‌آموزان برای خودیادگیری و خودنظم‌دهی، به سامان‌دهی برنامه‌ی کلاسی کمک می‌کند تا معلم از زمان کلاس به نفع تدریس و هدایت دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر و موضوعاتی درسی که تدریس در آن‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد، بهره‌بردار.

الف) برخی راهبردهای یادگیری را معلم طراحی و به همراه دانش‌آموزان اجرا می‌کند؛ مانند: روش‌های تدریس متنوع و مشارکتی که یکی از عوامل به وجود آورنده‌ی کلاس‌های چندپایه‌ی اثربخش و باکیفیت است.

پیوند برنامه‌ی درسی مدرسه با علاقه‌ها و نیازهای مشترک دانش‌آموزان، از طریق راهبردهایی مثل آغاز گفت‌وگوهای دوستانه، ارائه‌ی اطلاعات غیرمعمول و پیوند با زندگی و علاقه‌ی دانش‌آموزان، تأثیر زیادی بر یادگیری دارد. یکی از این راهبردها، تدریس مشترک یا موازی است که در این راهبرد برای همه‌ی کلاس به طور کلی برنامه‌ریزی می‌شود و سپس دانش‌آموزان در گروه‌های همگن و گاهی ناهمگن، براساس سطح مهارت گروه‌بندی می‌شوند و معلم تدریس را بر اساس یک مفهوم یا مهارت مشترک دوره، متناسب با پایه‌های مورد تدریس، طراحی می‌کند و پیش می‌برد.

طراحی آموزشی بر مبنای تلفیق موضوعات درسی، تدوین بسته‌هایی خودآموز در درس‌هایی که دانش‌آموز می‌تواند بدون حضور معلم آن‌ها را یاد بگیرد و مسئولیت یادگیری را از معلم به یادگیرنده منتقل می‌کند، از دیگر راهبردهایی هستند که معلم طراحی و به همراه دانش‌آموزان اجرا می‌کند.

ب) برخی دیگر از راهبردها، راهبردهای حمایتی مهم برای یادگیری دانش‌آموزان هستند که معلم به دانش‌آموز می‌آموزد؛ مانند: انتخاب ایده‌ی اصلی، کلاس معکوس و یادگیری معکوس، بسط‌دهی و سازمان‌دهی، مرور و خلاصه کردن، تهیه‌ی راهنمای مطالعه، یادداشت‌برداری، حاشیه‌نویسی، تبدیل متن درسی به نقشه یا الگوی مفهومی. می‌توان این راهبردها را در فرصتی دیگر توصیف و تبیین کرد.

تدوین و تولید برنامه‌ی درسی ویژه‌ی کلاس‌های چندپایه می‌تواند شکاف‌های ناشی از مسائل متنوع و غیرقابل پیش‌بینی در این کلاس‌ها را پر کند و کیفیت و سطح انتظار از یادگیری در کلاس‌های چندپایه را معنا بخشد.



برنامه‌ی درسی و تصمیمات مربوط به امور عمرانی و رفاهی مدرسه را برای مسئولان و مردم محلی توضیح دهد و تعامل اجتماعی مثبت و سازنده‌ای با آنان داشته باشد.

۷. طراحی موقعیت‌های یادگیری: در خلق موقعیت‌های یادگیری، طرح‌ریزی دقیق مؤلفه‌ای کلیدی است. بدون طرح خوب، تضمین کیفیت بالای یادگیری غیرممکن است. فعالیت‌های کلاسی اتفاقی ممکن است لذت‌بخش باشند و به نوع خاصی از یادگیری بینجامند، اما تضمین موفقیت صرفاً با طرح و برنامه امکان‌پذیر است. توجه دادن دانش‌آموز به هدف یادگیری بسیار مهم است، چرا که وقتی او نسبت به هدف یادگیری آگاه نیست، احتمالاً به جنبه‌ای غیر از هدف اصلی فعالیت توجه نشان می‌دهد و در یادگیری ناموفق خواهد بود. معلمان باید از طریق طراحی دقیق اما منعطف، برای تمرکز بر شایستگی خاص، دانش‌آموزان را راهنمایی کنند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند اهداف یادگیری مشترکی را دنبال کنند. تعیین اهداف یادگیری صریح موجب می‌شود دانش‌آموزان آنچه را باید انجام دهند، یاد بگیرند و بدین ترتیب خودگردان شوند.

معلمان برای طراحی هر درس باید مخاطبان خود را به خوبی بشناسند و برای واقعی ساختن درس‌ها، به‌منظور شناخت بافت فرهنگی و تجربه‌های فردی گذشته‌ی دانش‌آموزان وقت کافی اختصاص دهند. معلمی که مثال‌های درس را با مواد آموزشی به‌گونه‌ای تلفیق می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم را در بافت به کار ببرند، یادگیرندگان بهتری تربیت خواهد کرد. شاید بتوان این موضوع را با یک مثال روشن‌تر کرد. «معلم پایه‌ی سوم کلاسی، از دانش‌آموزانش خواسته بود تعداد زاویه‌های آشپزخانه‌ی منزل خود را بشمارند. روز بعد دختر کوچکی تعداد زاویه را صفر گزارش کرد. تصور معلم این بود که او تکلیف را نفهمیده یا انجام نداده است. وقتی از والدین دلیل کار را جویا شد، آن‌ها توضیح دادند در خانه‌ای

عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه

فضای فیزیکی

بیشتر معلمان کلاس‌های چندپایه از راهبرد تقسیم کردن و ایجاد ساختار بندی گروه‌های کوچک‌تر برای بهتر مدیریت کردن کلاس استفاده می‌کنند. این تقسیم‌بندی می‌تواند براساس پایه یا موضوع درسی باشد.



معلم

زمانی که معلمان دانش‌آموزان را از انتظارات خود آگاه می‌کنند، آن‌ها به شکلی مثبت پاسخ می‌دهند و سعی می‌کنند به سطوح مد نظر معلم خود دست پیدا کنند. معلمان کلاس‌های چندپایه باید به خاطر داشته باشند، هرگز سخت‌تر از دانش‌آموزان خود کار نکنند و موقعیت‌های یادگیری طراحی کنند که دانش‌آموزان را درگیر و به سمت خودیادگیری هدایت کنند.



گفت‌وگوی کلاسی

بیشتر معلمان با طرح پرسش به‌خوبی می‌توانند گفت‌وگویی کلاسی را به جریان اندازند، در حالی که آن‌ها باید بدانند چگونه تبادیل نظر درباره‌ی یک موضوع در کلاس را به سطح یک گفت‌وگوی واقعی برسانند.



جامعه‌ی محلی

هر مدیر-آموزگار با تکیه بر تصمیم‌گیری مشارکتی دهیاری، همکاری مردم محلی و والدین داوطلب می‌تواند رویکردی اثربخش برای بهبود پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان در منطقه‌ای خاص ایجاد کند.



طراحی موقعیت یادگیری

معلمان برای طراحی درس باید مخاطبان خود را به‌خوبی بشناسند و به‌منظور واقعی ساختن درس‌ها، برای شناخت بافت فرهنگی و تجربه‌های فردی گذشته‌ی دانش‌آموزان وقت کافی اختصاص دهند. معلمی که مثال‌های درس را با مواد آموزشی به‌گونه‌ای تلفیق می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم را در بافت به‌کار ببرند، یادگیرندگان بهتری تربیت خواهد کرد.



گروه‌های همیار

فعالیت دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به معلم امکان می‌دهد موقعیت‌هایی را طراحی کند که مؤثر و قابل فهم باشند. اگر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های مشارکتی احساس راحتی کنند، کار را با کیفیت بهتری ارائه می‌دهند و به دلیل داشتن اهداف مشترک با گروه خود، فعالیت‌ها به نتایج بهتری منجر خواهند شد.



فضای عاطفی

مراقبت معلم از فضا یا جو کلاس چندپایه به معنی درک و پذیرفتن دانش‌آموزانی با جنسیت، سن و تحصیلات گوناگون در یک کلاس است. او می‌تواند از طریق تماس چشمی و زبان بدن نشان دهد به آن‌ها توجه دارد و در خلال تعاملات، این پیام را که به مراتب مهم‌تر از موضوع درسی است، به دانش‌آموزان انتقال دهد.



راهبردهای یادگیری

راهبردهای یادگیری و استفاده از آن‌ها در کلاس درس، علاوه بر توانمند کردن دانش‌آموزان در خودیادگیری و خودنظم‌دهی، موجب سامان‌دهی برنامه‌ی کلاسی می‌شود تا معلم از زمان کلاس به نفع تدریس و هدایت دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر و موضوعاتی درسی که تدریس معلم در آن‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد، بهره‌برد.





گاهی اوقات با هم دیدن
ضروری به نظر می‌رسد

کاربرد تلفیق در آموزش؛ اجباری یا اختیاری؟

معلمانی که در مدرسه‌های چندپایه تدریس می‌کنند، با «روش تدریس تلفیقی» آشنایی بیشتری دارند و این روش را به عنوان راهبردی برای جبران آسیب‌های ناشی از کمبود زمان در کلاس‌های خود به کار می‌گیرند. درواقع، آن‌ها از برخی خاصیت‌های برنامه‌ی درسی برای مطرح کردن هم‌زمان موضوعات آموزشی در یک ظرف مشترک استفاده می‌کنند.

دانش‌آموزان هر پایه قرار بدهد و برای تدریس به گروه‌های کوچک از پایه‌های دیگر، فرصت‌های آموزشی ایجاد کند تا همچنان کلاس با کارایی و اثربخشی مورد انتظار به کار خود ادامه دهد.

اگرچه برخی معلمان این نوع فراخواندن هم‌زمان محتوای آموزشی در یک موضوع درسی مشترک مانند کسر یا اندازه‌گیری در ریاضیات را با اصطلاح «آموزش تلفیقی» می‌شناسند که غالباً در کلاس‌های چندپایه امکان‌پذیر است و در تک‌پایه امکان یا ضرورت چندانی برای آن احساس نمی‌شود، با وجود این باید پذیرفت که تلفیق برنامه‌ی درسی ابعاد معنایی وسیع‌تر و ظرفیت‌های آموزشی گسترده‌تری دارد که هم می‌تواند معلمان و دانش‌آموزان چندپایه و هم تک‌پایه را در برگیرد. نگاهی به فرایند تدوین کتاب‌های درسی نشان می‌دهد، برنامه‌ریزان علاوه بر اینکه به صورت مارپیچی یک موضوع مفصل مانند کسر را در پایه‌های متفاوت می‌گنجانند، به نوعی ارتباط عرضی در محتوای درسی یک پایه هم توجه نشان می‌دهند.

فرض کنید آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی هستتید و می‌خواهید با دانش‌آموزانتان در درس مطالعات اجتماعی، در مورد راه‌های حمل و نقل صحبت کنید. وقتی از حمل و نقل دریایی سخن می‌گویید و به تصویر یک کشتی در حال بارگیری در بندر چابهار از استان سیستان و بلوچستان اشاره می‌کنید، دانش‌آموزان کنجکاو می‌شوند در مورد چگونگی انجام کار بارگیری بیشتر بدانند. شما می‌توانید از فرصت استفاده کنید و تصویر پشت جلد کتاب علومشان را که به استفاده از سطح شیب‌دار برای بارگیری و تخلیه کالا در کشتی‌های بزرگ مربوط است به آن‌ها نشان دهید. در اینجا

فرض کنید معلم چندپایه‌ای که به صورت هم‌زمان دانش‌آموزان پایه‌های سوم، چهارم و پنجم را در کنار هم دارد، می‌خواهد برای آموزش مفاهیم درس ریاضی که مقدمات یادگیری آن عموماً از پایه‌های اول و دوم آغاز و در سال‌های بعدی تحصیلی بر وسعت و پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود، با استفاده از تمرین‌های ساده تا پیچیده، به نیازهای یادگیری سه طیف متفاوت از دانش‌آموزان کلاسش پاسخ بدهد. او می‌تواند با تدارک سناریویی آموزشی، داستان خود را از مباحث مقدماتی آغاز کند و پس از درگیر کردن دانش‌آموزان پایه‌ی سوم، آن‌ها را در بخشی از مسیر یادگیری پیاده کند و راه را با دانش‌آموزان چهارمی و پنجمی ادامه بدهد. در قسمت دیگر مسیر، لازم است دانش‌آموزان چهارمی از گروه یادگیری جدا شوند و تنها پنجمی‌ها وارد قسمت‌های پریپیچ و خم‌تر موضوع شوند. بدین ترتیب، کلاس پنجمی‌ها که از یادآوری مفصل آموخته‌های گذشته‌ی خود بهره برده‌اند، با آمادگی بیشتری وارد قسمت‌های سخت‌تر آموزش خواهند شد.

چنین راهبردی صرفاً در کلاس‌های چندپایه به کار گرفته می‌شود، چرا که در کلاس‌های تک‌پایه، برای همه‌ی اعضای گروه بزرگ کلاسی، نیازی مشترک تعریف شده است که بحث با یادآوری مختصری از موضوع آموخته شده در سال گذشته آغاز و تا ظرفیت تعیین شده برای آن پایه دنبال می‌شود. در این فضا، دانش‌آموزان به ترتیب و به صورت هماهنگ با یکدیگر گام‌های آموزشی را دنبال می‌کنند. این در حالی است که آموزگار کلاس چندپایه می‌تواند با فعال کردن ظرفیت یادگیری مستقل دانش‌آموزان در انجام تکالیف ورودی، تمرینی یا خلاقیتی، زمان‌هایی را برای خودآموزی در اختیار



تلفیق‌هایی از این دست صرفاً به صنایع و محصولات فناورانه محدود نمی‌شوند. می‌توان از «E» به‌عنوان نماد محیط زیست استفاده کرد و معضلات زیست‌محیطی را با نگاهی دقیق‌تر به‌طور علمی بررسی کرد تا تأثیر رفتارهای انسان با طبیعت از طریق اعداد و ارقام و محاسبات ریاضی معلوم شود. در این میان، دانش‌آموزان می‌توانند برای مبارزه با آلودگی و تخریب محیط زیست فناوری‌هایی را شناسایی یا خلق کنند. خلاقیت کودکان می‌تواند عنصر هنر با نماد «A» را هم به این ترکیب بیفزاید و مسیر مهندسی را برای بهبود زندگی بشر در حل آن مسئله هموار سازد.

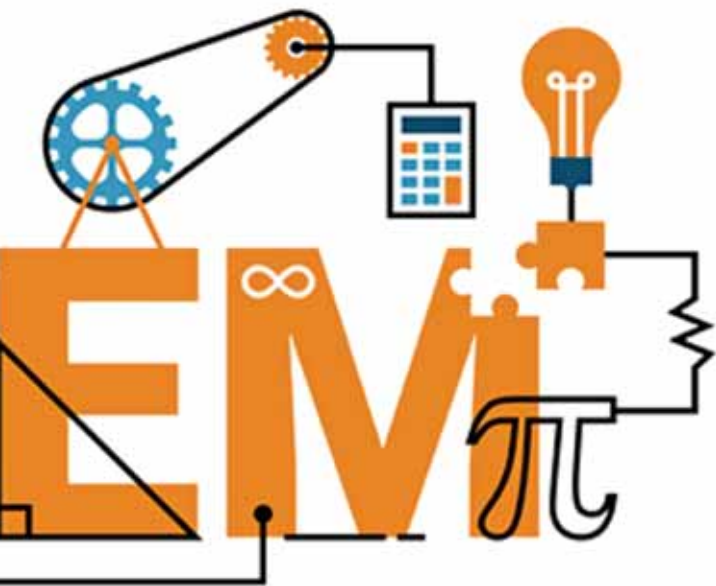
همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، تلفیق در شناسایی و تجزیه و تحلیل پدیده‌هایی که در ذات خود ماهیت یکپارچه‌ای دارند، نوعی ضرورت به‌شمار می‌آید و تکه‌تکه کردن آموزش با تقسیم آن به رشته‌های جداگانه و اهداف پراکنده نمی‌تواند به شناسایی کامل یک پدیده منجر شود. پس اگر برنامه‌ی درسی به‌صورت رشته‌محور تنظیم شده باشد، باید انتظار داشت یک پدیده با تناسب هدف و موضوع موردنظر بارها فراخوان شود و در هر مرتبه تنها بخشی از آن شناسایی و بررسی شود. اما در برنامه‌های درسی پروژه‌محور می‌توان از انواع ظرفیت‌های دانشی و مهارتی برای شناخت یک پدیده و تأثیر آن در زندگی انسان و حل مسائل مربوط به او بهره گرفت. در چنین حالتی، تلفیق نه امری اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید.

با وجود این، برخی معلمان سعی می‌کنند در برنامه‌های درسی رشته‌محور نیز با دستکاری در زمان و ترتیب ارائه‌ی درس‌ها، موضوعاتی را که پیوندهای مفهومی بیشتری دارند در کنار یکدیگر و به‌صورت هم‌زمان تدریس کنند و با در جوار هم قرار دادن اهداف و متون هم‌راستا و مکمل، طرح‌های آموزشی متفاوت و تازه‌ای را خلق کنند که می‌تواند یادگیری معنادارتری را نسبت به وقتی که آن اهداف به شکل مستقل تدریس می‌شوند، ایجاد کند.

تشخیص این نکته را که آیا تدریس یک بخش از محتوا به شکل متداول و با ملاحظه‌ی ترتیب و ساختار کتاب درسی مربوطه، اثربخش‌تر است یا اینکه می‌توان با ایجاد پیوندهای جدید با سایر کتاب‌های درسی یا موادی دیگر از همان عنوان درسی، طرح درس خلاقانه و متفاوتی در چارچوب کلی برنامه‌ی درسی ملی تولید کرد، باید به عهده‌ی معلم و شناخت وی از فضا، امکانات و ظرفیت‌های محیط یادگیری گذاشت. با این حال، ذکر این توصیه اهمیت دارد که دست زدن به تجربه‌های خاص و غیرمتداول می‌تواند در تصمیم‌گیری برای انتخاب راهبردهای بهتر و مفیدتر به معلمان کمک شایانی کند، چرا که گاهی اوقات با هم دیدن ابعاد یک پدیده برای درک صحیح آن ضروری به‌نظر می‌رسد.

موقعیت مناسبی فراهم شده است تا بر یکی از ماشین‌هایی که کار ما را آسان می‌کند و بر ارزش و اهمیت آن، تأکید بیشتری کنید. شما می‌توانید در توضیح این عبارت کتاب که «حمل و نقل با کشتی و از راه دریا بسیار ارزان است»، سری به درس ریاضی هم بزنید و با ارائه‌ی مثال، میزان صرفه‌جویی در حمل و نقل کالایی مانند خودرو میان بندرعباس و بندر خرمشهر از راه دریا را نسبت به حمل و نقل جاده‌ای، با به‌کار گرفتن دانش ریاضی مربوط به نسبت، تناسب و درصد، محاسبه کنید.

هنر به‌کارگیری هم‌زمان دانش علوم متفاوت (چند رشته‌ای) مانند جغرافی، علوم، ریاضی و دیگر درس‌ها برای حل مسائل زندگی، جلوه‌ای از تلفیق اصیل و معنادار است که می‌تواند یادگیری را برای دانش‌آموزان جذاب، هدفمند و تأثیرگذار کند. در همین ارتباط، نظام‌های آموزشی دنیا از الگوهای متعددی برای تولید تلفیق‌های هم‌خوان و البته چالش‌برانگیز و مسئله‌مدار استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها تلفیق علوم و ریاضی و مهندسی و فناوری با چاشنی هنر است که به‌طور اختصاری به آن «STEM» می‌گویند. در این ترکیب، سر واژه‌ی S نماد علوم است و کارکرد آن در فناوری با نماد T قابل ملاحظه است. E که نماد مهندسی است، می‌تواند میزان قدرت، دقت و ظرافت را نشان دهد و M نماد ریاضیات است. با وجود این، STEM با یک پدیده‌ی واحد سروکار دارد و دانش‌آموزان با تجزیه و تحلیل آن پدیده که می‌تواند وسیله‌ای صنعتی مانند یخچال یا سیستم حمل و نقل دریایی باشد، با نحوه‌ی استفاده از قوانین علمی در فناوری و تولید آشنا می‌شوند و اهمیت ریاضیات را در مهندسی مربوط به آن محصول بیشتر درک می‌کنند.



هر معلمی می‌تواند معنای تدریس خود را در آن بسازد

STEM چیست؟

برای کسانی که با نظام آموزشی کشورهای صنعتی آشنایی دارند یا در مورد آن مطالعاتی انجام داده‌اند، دیدن کلاس‌هایی که در آن بچه‌ها مشغول ساختن ربات، کار با لگو، انجام پروژه‌های علمی در آزمایشگاه و یا تولید یک ماکت در کارگاه هستند، چندان تعجب‌آور نیست. از سوی دیگر، اصطلاح STEM نیز در متون مربوط به برنامه‌ی درسی این کشورها واژه‌ی غریبی به شمار نمی‌رود. STEM (اس.تی.ئی. ام یا به بیان راحت‌تر «استم») از سرواژه‌گان عبارت‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی* گرفته شده و در سال‌های اخیر، به منظور تقویت روحیه‌ی اشتغال و حرفه‌آموزی و توسعه‌ی کارآفرینی، در برنامه‌ی درسی تعدادی از نظام‌های آموزشی، به ویژه کشورهای صنعتی، گنجانده شده است. در این مقاله‌ی کوتاه قصد داریم ضمن آشنا کردن شما با STEM، به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا همه‌ی معلمان می‌توانند از این مدل در کلاس درس خود استفاده کنند؟

STEM چه می‌گوید؟

طراحان و موافقان STEM معتقدند، شیوه‌های آموزشی رشته‌محور که به موضوعات درسی همانند رشته‌های علمی محض می‌نگرند، دیگر برای تعلیم و تربیت در دنیای پر از مسئله‌ی معاصر کافی نیستند. در واقع، به نظر آن‌ها، موضوعات اصلی یادگیری در قرن بیست و یکم، به خواندن، نوشتن، حساب کردن و دانستن مجموعه‌ای از اطلاعات عمومی محدود نمی‌شود، بلکه موارد مهم‌تری از جمله آگاهی از مسائل جهانی، سواد مالی و اقتصادی، سواد حقوق مدنی و شهروندی، سواد بهداشتی، و سواد زیست‌محیطی، در کنار مهارت‌های خودآگاهی، خلاقیت و نوآوری، تفکر انتقادی و حل مسئله، برقراری ارتباط و همکاری، و نیز مهارت‌های فناوری اطلاعات و شناخت رسانه‌ها، مهارت‌های زندگی، مهارت حرفه‌ای و کارآفرینی جزو نیازهای آموزشی مدرسه‌ها محسوب می‌شوند. طراحان و برنامه‌ریزان STEM ادعا می‌کنند این رویکرد آموزشی با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های دوران کودکی و نیازها و علاقه‌های کودکان تلاش می‌کند با ایجاد برنامه‌ی درسی یکپارچه، کنجکاوی و تخیل دانش‌آموزان را به‌منظور بهبود کیفیت زندگی در آینده هدایت کند.

STEM چه اهداف و آرمان‌هایی دارد؟

STEM نوعی ترکیب تلفیقی است. با وجود این، آنچه STEM را از سایر ترکیبات تلفیقی متمایز می‌کند، جهت‌گیری آن برای درهم‌آمیزی هدفمند کار و آموزش است. به همین سبب، دو عنصر مهندسی و فناوری در کنار علوم و ریاضیات قرار گرفته‌اند تا کودکان و نوجوانان از مسیر مبانی و مفاهیم نظری به شگفتی‌ها و پیچیدگی‌های زندگی صنعتی که آنان را احاطه کرده است متصل شوند و این احساس در آن‌ها ایجاد شود که ریاضیات و علوم با زندگی روزانه‌شان آمیخته شده است. برنامه‌ریزان معتقدند، دانش‌آموزان با مطالعه‌ی درس‌های علوم و ریاضی در متن پروژه‌های مبتنی بر STEM

STEM از کجا آمده است؟

از افراد متعددی به‌عنوان ایده‌پرداز STEM نام برده می‌شود. در یکی از منابع، این ایده به تفکرات بانویی به نام **الن ریچاردز**^۱ نسبت داده شده است. وی نه معلم، بلکه دانشمند علوم طبیعی بود. او که در اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی می‌زیست، گسست علم و فناوری را که در مرگومیر روزافزون انسان‌ها بر اثر کمبود بهداشت و خدمات پزشکی خودنمایی می‌کرد، به‌طور عمیق درک کرده بود و اعتقاد داشت علم و تحقیق در صورتی مفید و ارزشمند است که از آن برای بهبود محیط زندگی استفاده شود. الن ریچاردز با اتصال دانش علمی به برنامه‌های عملی در زمینه‌ی بهداشت مواد غذایی، کیفیت آب و ایمن‌سازی خانه‌ها، حرکت خود را به سمت علم نافع آغاز کرد و در این ارتباط آموزش را مبنای کار خود قرار داد. این حرکت و حرکت‌های مشابه دیگر که جوامع علاقه‌مند به توسعه‌ی آموزش آغاز کردند، امروزه در قالب یک مدل مدون با نام «STEM» به یکپارچه‌سازی علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی، برای ایجاد تجربه‌های یادگیری سودمند در مدرسه‌ها می‌پردازد تا به تقویت برنامه‌ریزی به‌منظور زیست بهتر و با کیفیت‌تر کودکان در دنیای واقعی کمک کند و از این رهگذر، از هم‌اکنون دانش‌آموزان را با حرفه‌های دانش‌محور و مهارت‌های فنی که در آینده ممکن است به سراغ آن‌ها بروند، آشنا کند.



آن‌ها را به یک بسته‌ی یادگیری یکپارچه بر اساس برنامه‌های دنیای واقعی تبدیل می‌کند. چنین ایده‌ای در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی به تولید طراحی‌های آموزشی ویژه‌ای منجر می‌شود که در آن معلم به جای تکرار خسته‌کننده‌ی یک موضوع، محل قرار گرفتن مفاهیم در درون پدیده‌های گوناگون را با کارکرد منطقی آن در زندگی به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند یا برای کشف وقایع تازه، آنان را تشویق می‌کند تا به فهم پایدار موضوعات دست پیدا کنند.

آیا STEM یک مدل تلفیقی کامل و مناسب محسوب می‌شود؟

مسئله است هیچ الگویی پاسخگوی تمام ابعاد و مسائل تعلیم و تربیت نیست. با وجود این، خاصیت مدل‌های تلفیقی این است که ضمن حفظ اصالت و یکپارچگی، می‌توانند در ترکیبات خود به پیوندهای متعدد و متنوعی بیندیشند که تأثیرات آموزشی و پرورشی بیشتری دارند. در این خصوص، برخی صاحب‌نظران، افزودن هنر به ترکیب STEM و تولید ترکیب تازه و غنی‌شده‌تری با عنوان STEAM را برای اخلاقی و انسانی‌تر کردن این برنامه‌ی درسی مفید دانسته‌اند تا هدف برنامه صرفاً معطوف به تربیت نیروی کار نباشد. برخی نیز افزودن علوم اجتماعی را به این برنامه ضروری دانسته‌اند تا در ترکیب STEM به مسائل زیست‌محیطی، مسائل شهروندی و نیز تبعات غیرانسانی فناوری مانند توسعه‌ی تجهیزات جنگی و کشنده از دیدگاهی اخلاقی پرداخته شود. بنابراین، می‌توان گفت آنچه در STEM مهم است، میزان یکپارچگی و واقعی بودن پدیده یا مسئله است.

آیا همه‌ی معلمان می‌توانند از STEM در کلاس درس خود استفاده کنند؟

اگر بخواهیم به این پرسش در یک کلمه پاسخ بدهیم، جواب آن بدون هیچ قید و شرطی بله است. زیرا STEM در ساده‌ترین تعریف خود نشان‌دهنده‌ی ارتباط علوم با هر یک از محصولات و مشاغل در زندگی واقعی است و از آنجایی که کار و صنوعات بشری در همه‌جا حضور دارد، همواره معلمان می‌توانند کودکان را در مورد چگونگی ادغام علوم و فناوری با یکدیگر آموزش دهند. یک ویژگی بزرگ STEM این است که می‌تواند با هرگونه برنامه‌ی درسی که معلم از آن استفاده می‌کند سازگار شود و برای انجام آن تنها لازم است معلمان معتقد باشند بچه‌ها نیاز ندارند حقایق تصادفی را به خاطر بسپارند، بلکه حقایق بسیاری در سرانگشتان آن‌ها وجود دارد. با چنین تفکری، STEM به محلی برای بروز خلاقیت‌های معلم و دانش‌آموز تبدیل می‌شود تا در کنار یکدیگر مرزهای برنامه‌ی درسی را گسترش دهند. در همین جا شما را به مطالعه‌ی شماره‌های بعدی، برای آشنایی با طراحی و اجرای آموزش‌های منطبق با الگوی STEM در کلاس‌های تک‌پایه و چندپایه از کشور خودمان دعوت می‌کنیم.

در خواهند یافت، همان‌طور که در زندگی واقعی، از طریق مشاغل و محصولات، به‌صورت مداوم با علوم و ریاضی مرتبط هستند، لازم به نظر می‌رسد که در مدرسه نیز برای آمادگی ورود به حرفه‌ی دلخواه خود این ارتباط‌ها را بررسی، مطالعه و تمرین کنند تا بتوانند در آینده حرفه‌ای‌های موفق‌تری باشند.

آیا STEM مختص دوره‌ی تحصیلی خاصی است؟

کشورهای مجری، STEM را از دوره‌ی پیش‌دبستانی آغاز می‌کنند و تا دبستان و پایان دوره‌ی متوسطه پی می‌گیرند. STEM با پرورش علاقه به علوم طبیعی و اجتماعی در مهدکودک و در قالب موضوعات ساده شروع می‌شود. در مرحله‌ی دبیرستان، آموزش‌های آن سخت‌تر و مسئله‌مدارتر خواهند شد. در واقع، این مدل به‌عنوان پلی ارتباطی میان فرصت‌های یادگیری در مدرسه و خارج از مدرسه عمل می‌کند که از یک‌سو الزامات علمی مشاغل وابسته به فناوری را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، با کاربرد موضوع‌ها در موقعیت‌های چالش‌برانگیز و دقیق، روی آماده‌سازی دانش‌آموزان برای اشتغال در دوره‌های بعدی زندگی‌شان تمرکز دارد. با وجود این، هدف اصلی STEM این است که دانش‌آموزان را به ادامه‌ی تحصیل علاقه‌مند کند.

آیا STEM ویژگی‌های کشورهای صنعتی است؟

باید گفت STEM نوعی تلفیق بین‌رشته‌ای است که می‌توان ظرفیت اجرای آن را در اغلب برنامه‌های درسی، با محوریت کتاب‌های ریاضی و علوم، یافت. آنچه در شکل‌گیری STEM حائز اهمیت است، طراحی آموزشی تلفیقی با رعایت جوانب، اصول و مراحل مربوط به این الگوست. در این نوع تلفیق، ظرفیت‌های فرارشته‌ای فناوری و مهندسی، در کنار آموزه‌های علوم کاربردی، وارد برنامه‌ی درسی می‌شود و دانش‌آموزان را از طریق رویکردهای یادگیری اکتشافی و فعال، برای حرکت به سمت حل مسئله هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، STEM به جای آموزش دادن هر یک از چهار رشته به‌عنوان موضوعات جداگانه و گسسته،



به کارگیری لحن مناسب در کلام معلم من تعیین می‌کنم چگونه معلمی هستم

معمولاً معلم‌ها از طرف دانش‌آموزان با صفتی خاص شناخته می‌شوند؛ مثلاً سخت‌گیر، آسان‌گیر، خنده‌رو، عصبانی، دوست‌داشتنی یا کسل‌کننده. فقط معلمان جدید از این قاعده معاف‌اند، چون آن‌ها هنوز به صفتی شناخته نشده‌اند. دانش‌آموزان کنجکاوند از معلم تازه‌ی خود اطلاعاتی به دست بیاورند. بنابراین، با شروع سال تحصیلی، معلم جدیدشان را زیر نظر می‌گیرند و بعد از چند هفته که اطلاعات آن‌ها به جای مناسبی رسید، او را به صفتی نسبت می‌دهند.

فایده‌های گفت‌وگو با دانش‌آموزان در مورد وضع قوانین کلاس

- فایده‌ی قراردادهای رفتاری این است که به جای اینکه شما در اولین روز با مجموعه‌ای از قوانین از پیش تعیین‌شده وارد کلاس شوید، می‌توانید با دانش‌آموزانتان، در مورد اینکه چه قوانینی لازم دارید، هم‌فکری کنید. با این هم‌فکری، قوانین مشترک ساخته می‌شوند و دانش‌آموزانی که خارج از چارچوب این قوانین رفتار می‌کنند، ملزم به رعایت آن می‌شوند.

- قراردادهای رفتاری، علاوه بر اینکه به دانش‌آموزان می‌گویند قوانین کلاسی چیست، دو مزیت دارند: اول اینکه از همان لحظه‌ی اول کلاس احساس دانش‌آموزان را در پروسه‌ی یادگیری درگیر می‌کنند. حتی اگر مکالمه‌هایتان به قوانینی که مورد نظر آن‌هاست منجر نشود، حداقل دانش‌آموزان احساس می‌کنند به صدای آن‌ها گوش داده می‌شود. دومین مزیت این است که با صحبت کردن در مورد هر قانون، دانش‌آموزان متوجه می‌شوند چرا قوانین مهم و ضروری هستند و تمایل پیدا می‌کنند از شما پیروی کنند.

- قوانین باید واضح و قابل فهم باشند. گفت‌وگو کردن قوانین مورد بحث را شفاف و قابل فهم می‌کند. از طرف دیگر، دانش‌آموزان متوجه می‌شوند تفکر پشتوانه‌ی هر قانونی است که در مورد آن به توافق رسیده‌اند.

۲. دانش‌آموزان قوانین و سیاست‌های شما را محک می‌زنند

بعضی از دانش‌آموزان زیر بار قانون نمی‌روند. تعدادی از آن‌ها ممکن

شما هم به عنوان معلم از این قاعده مستثنا نیستید. پس باید کاری کنید که دانش‌آموزان شما را به صفت شایسته‌ای بشناسند. چون اگر به صفت نامناسبی شناخته شوید، به راحتی نمی‌توانید از چنگ آن راحت شوید. این شهرت می‌تواند برای شما نعمت یا بلا باشد. اگر به شهرت خوبی مثل دوست‌داشتنی، متین و جذاب معروف شوید، قدم خیلی بزرگی برای موفقیت در سال اول تدریس برداشته‌اید، ولی اگر به صفت خوبی شناخته نشوید، همیشه در فشار خواهید بود و کنترل شما بر کلاس سخت خواهد شد. برطرف کردن این شهرت هم وقت و هم انرژی زیادی از شما خواهد گرفت. اما خیلی نگران نباشید. چه باور کنید و چه باور نکنید، دانش‌آموزان به طور کلی تمایل دارند معلم جدیدشان را دوست داشته باشند و به او احترام بگذارند. پس، قبل از آغاز سال تحصیلی، به این موضوع خوب فکر کنید. در این مقاله به نکاتی اشاره می‌شود که دانستن آن‌ها برای معلمی با صفات شایسته بودن به شما کمک می‌کند.

۱. در مورد دستورالعمل‌ها گفت‌وگو کنید

برای بیشتر معلمان، مرور دستورالعمل‌های کلاسی در شروع سال تحصیلی، فعالیتی الزامی و کوتاه است که زیاد درباره‌ی آن فکر نمی‌کنند. به طور کلی، معلمان فقط جلوی کلاس می‌ایستند، قوانین را می‌خوانند و می‌گویند اگر سؤالی هست بگویید. سپس به فعالیت‌های دیگر می‌پردازند. اما برای معلمان جدید فرصت خوبی است که در مورد دستورالعمل‌ها، که به آن‌ها قراردادهای رفتاری می‌گوییم، با دانش‌آموزانشان گفت‌وگو کنند و به توافق برسند.

پیروی کردن رجوع می کنند. یکی از بهترین راه ها برای اینکه موقعیت خود را به عنوان رهبر تثبیت کنید، این است که از همان ابتدای سال در پی اصلاح بد رفتاری باشید. چک کردن دانش آموزان به طور گاه به گاه این پیام را می رساند که شما مسئول هستید، اما چک کردن آن ها به طور مداوم و ثابت این پیام را می دهد که شما بد رفتار و غیر منطقی هستید. وقتی دانش آموزان را چک می کنید، سعی کنید به طور نامحسوس و غیر زبانی باشد. در واقع، صلح قدرت بیشتری نسبت به فریاد زدن دارد، چون نشان می دهد لازم نیست برای کنترل اوضاع صدا پتان را بالا ببرید.

۴. فاصله ی خود را با دانش آموزانتان حفظ کنید

قدیم ترها می گفتند معلمان نباید لبخند بزنند، مگر زمانی که بخواهند تشکر کنند. ظاهراً لبخند زدن شما به دانش آموزان نشان می دهد کلاس جدی است و شما آموزگار هستید نه رفیق آن ها. اگر چه امروزه این توصیه در بیشتر موارد کاربردی نیست، اما درس مهمی که می توان از این رویکرد قدیمی گرفت، این است که بین خود و دانش آموزانتان فاصله ای قائل باشید. این فاصله به آن ها یادآوری می کند شما هنوز معلم آن ها هستید، حتی اگر گاهی لبخند می زنید. رعایت فاصله بدین معنا نیست که شما باید کناره گیر باشید یا با آن ها سرد برخورد کنید. این موضوع هیچ مغایرتی با اینکه گرم، متعهد و مراقب آن ها باشید ندارد. اینجا مواردی وجود دارند برای اینکه فاصله ی مناسب را با دانش آموزانتان داشته باشید:

- لازم نیست همیشه آن ها را خوش حال کنید یا پاسخی به آن ها بدهید که می خواهند.
- بیشتر از اینکه آن ها را راجع به شما بدانند، شما راجع به آن ها بدانید.
- به جز در موقعیت های خیلی نادر، سعی کنید بی طرف، آرام و صبور باشید؛ حتی اگر از درون عصبی و ناراحت هستید.

سخن آخر

به کارگیری لحن مناسب می تواند تفاوت های بزرگی ایجاد کند و شما را از برخی مشکلات نجات دهد، اما اگر لحن شما در چند هفته ی اول کامل و درست نباشد، دست از کار نکشید. واقعیت این است که لحن به کار گرفته شده در کلاس به طور مداوم تکامل می یابد و این تکنیک ها می تواند فقط در دو، سه یا چهار ماه مؤثر باشد. اگر در همان اول سال لحن مناسب را به کار بگیرید، می توانید به ترویج آن ادامه دهید یا خیلی سریع لحن آن را به چیزی که می خواهید تغییر دهید. به این ترتیب، شما به معلمی با ویژگی های خوب مشهور می شوید.

است بخواهند پایداری شما را در مورد قوانین امتحان کنند. شما باید در شروع سال تحصیلی، بعد از اینکه سیاست هایتان را بیان می کنید و با آن ها به توافق می رسید، در اجرای آن ها استوار و محکم بمانید. برای مثال، اگر قانون دیر آمدن به کلاس کم کردن سه امتیاز از دانش آموز است، آن را از همان شروع سال تحصیلی انجام دهید. دو امتیاز کم نکنید به این دلیل که خیلی دیر نشده یا اینکه می خواهید به او ارفاق کنید. تجدید نظر یا ارفاق سیاست خوبی است، اما در شروع سال تحصیلی کار خوبی نیست. پایداری شما بر قوانین در ابتدای سال به شما اعتبار می دهد که بعداً بتوانید مهربان و باگذشت باشید. پس در شروع کار آشکار نکنید که در اجرای قوانینتان نرم هستید.

– آن ها مایل اند کار کمتری انجام دهند

دانش آموزان در اوایل سال تحصیلی کار کمتری انجام می دهند تا ببینند چقدر تلاش برای ارزیابی های شما لازم دارند. بنابراین، اگر تکالیف آن ها کیفیت مورد انتظار شما را نداشت، جا نخورید. اگر می خواهید دانش آموزانتان به جزئیات توجه کنند، باید خلاق تر باشید یا به طور کلی سخت تر کار کنید. با اولین تکالیف به آن ها امتیاز بدهید تا با شگفتی ببینید چگونه به سرعت، تعداد زیادی از آن ها، خودشان را با چیزی که شما می خواهید وفق می دهند.

– آن ها شما را صدا می زنند

گاهی اوقات دانش آموزان کمبود تجربه ی تدریس شما را با کمبود دانششان اشتباه می گیرند. آن وقت ممکن است با گستاخی به سراغ شما بیایند. حتی ممکن است در صدا زدن معلم جدیدشان فوق العاده گستاخ باشند. من دانش آموزی داشتم که وسط حرفم پرید و گفت: «این درست نیست. شما اشتباه کرده اید.» وقتی با چنین جمله ای مواجه می شوید، به جای عصبانیت یا از دست دادن آرامش، این مراحل را دنبال کنید:

۱. اگر دانش آموزی سوآلی را با گستاخی پرسید، او را به خاطر سوآلی که پرسیده است سرزنش نکنید، بلکه برای شیوه ی پرسش آن سرزنش کنید
۲. عالمانه برخورد کنید. اگر می دانید حق با شماست، سعی کنید فن دیگری را در توضیحات به کار بگیرید تا نشان دهید چه کسی کارشناس است. اگر می دانید اشتباه از طرف شما بوده، از این لحظه استفاده کنید برای اینکه به دانش آموزان یاد بدهید هر کسی ممکن است اشتباه کند و بعد هم راهی برای اصلاح اشتباهات پیدا کنید.

۳. شما باید خودتان را رهبر گروه بدانید

این بدین معنا نیست که قدردانی نکنید، احترام نگذارید و با دانش آموزان مهربانانه رفتار نکنید، بلکه منظور این است که اگر شما خودتان را رهبر گروه ندانید آن ها به طور طبیعی به شخص دیگری برای



معرفی گزیده فیلم‌های جشنواره‌ی بین‌المللی
فیلم‌رشد، با موضوع تقویت مهارت‌های معلمی
در کلاس درس

نمای اول، هلیا

در هشت نما، فیلم‌های کوتاه برگزیده در جشنواره‌ی فیلم‌رشد را بررسی می‌کنیم. فیلم‌سازان این فیلم‌ها براساس تجربه‌های شما این فیلم‌ها را ساخته‌اند. نگاه‌های جسورانه‌ی بعضی از این فیلم‌ها می‌تواند تفکر انتقادی ما را جان تازه‌ای ببخشد.

هلیا

انتقاد و نقدپذیری در اصلاح و پیشرفت امور تأثیر بسیار زیادی دارد. منتقد، از طریق نقد صحیح، نقش مهمی در رشد و تکامل جامعه ایفا می‌کند. اما لازمه‌ی این رشد و تکامل، تعاملی دو طرفه است؛ پذیرش نقد منطقی از طرف فرد یا افرادی که مورد انتقاد قرار می‌گیرند، طرف دوم این تعامل است. انسان‌ها همیشه در معرض خطا و اشتباه قرار دارند. ممکن است فردی سال‌ها در اندیشه، رفتار یا روش خود دچار خطا و لغزش باشد، اما خودش متوجه آن نشده باشد. از این رو، شناخت نقاط ضعف و قوت از زاویه‌ی دید دیگران، به انسان کمک می‌کند از لغزش‌های احتمالی مصون بماند و کمتر دچار خطا و اشتباه شود.

در لغت‌نامه‌های فارسی، معانی متعددی برای واژه‌ی نقد ذکر شده است؛ از جمله: «جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره، تمییز دادن خوب از بد، آشکار کردن معایب و محاسن سخن و تشخیص معایب از محاسن» (معین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۳۸۳)

مدرسه و کلاس درس یکی از محیط‌های آموزشی مناسب برای آموزش نقد و نقدپذیری است. فرهیختگانی که با عنوان آموزگار، معلم، معاون یا مدیر در محیط مدرسه یا کلاس‌های درس دانش‌آموزان حاضر می‌شوند، باید توجه داشته باشند که رفتار و گفتارشان به شدت زیر نظر دانش‌آموزان است و دانش‌آموزان از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند. حرفه‌ی معلمی یکی از مشاغل مهم و حساسی است که در آینده‌ی دانش‌آموزان نقش بسزایی دارد. کسی که به عنوان معلم یا مربی در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان فعالیت دارد، باید همواره روش تدریس، اخلاق و رفتار خود را ارزیابی کند و نظر همکاران و دانش‌آموزان کلاس را در این خصوص جویا شود. معلمی که از همکاران یا دانش‌آموزان

می‌خواهد او را نقد و نظرات خود را اعلام کنند، باید این آمادگی را داشته باشد که نقاط مثبت و منفی انتقادات را با هم بپذیرد و فقط چشم انتظار تعریف و تمجید دیگران نباشد. اگر معلمی این شجاعت و ظرفیت را ندارد که دانش‌آموزان نقاط ضعف او را در کلاس بگویند، باید از قبل تمهیدی بیندیشد و نظرات آن‌ها را به صورت مکتوب دریافت و بررسی کند.

فیلم کوتاه «هلیا»، از جمله فیلم‌های داستانی راه‌یافته به بخش مسابقه‌ی چهل و هشتمین جشنواره‌ی فیلم‌رشد در بخش فرهنگیان فیلم‌ساز، به این موضوع پرداخته و رفتار غلط معلم کلاس در برابر انتقاد دانش‌آموزان را به تصویر کشیده است.

فرهنگیان محترم، اولیای گرامی و متولیان ارجمند آموزش و پرورش برای تهیه‌ی فیلم‌های معرفی شده می‌توانند به یکی از روش‌های زیر اقدام کنند:

(الف) تماس با شماره تلفن ۸۸۳۰۵۸۶۱ - ۲۱ (گروه تولید فیلم‌های آموزشی).

(ب) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonari@gmail.com (با ذکر نام، شماره‌ی تلفن، کدپستی و نشانی دقیق).

(ج) مراجعه‌ی حضوری به نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، نرسیده به پل کریمخان زند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، طبقه‌ی دوم، گروه توسعه و تولید رسانه‌های شنیداری و دیداری.

معرفی کتاب

مجموعه کتاب‌های اندیشه‌ورزان

«ضرورت مستندسازی دغدغه‌ها، اندیشه‌ها و تجربه‌های برخی از چهره‌های ممتاز تعلیم و تربیت ایران، ما را بر آن داشت تا مجموعه کتاب‌های «اندیشه‌ورزان» را به فرهنگیان فرهیخته و دوستداران دانش، آموزش و فرهنگ تقدیم کنیم.

هر کتاب به یک شخصیت می‌پردازد و شامل سه بخش تجربه‌ی زیسته، گفت‌وگوها و دستاوردهای آنان است. تجربه‌ی زیسته در قالب زندگی‌نامه‌ی داستانی، گفت‌وگوها به شکل میزگرد با حضور کارشناسان صاحب‌نظر و دستاوردها شامل سوابق آموزشی و علمی، تألیفات و ترجمه‌هاست.»

(یادداشت ناشر در پشت جلد کتاب‌ها)

پیش از این کتاب «تمنای یادگیری» را که به بیان زندگی‌نامه‌ی داستانی و دیدگاه‌های دکتر محمدرضا سرکارآرانی پرداخته بود، معرفی کردیم. خوشبختانه سه عنوان دیگر از این مجموعه در «انتشارات شرکت افست» به زیور طبع آراسته شده است. مطالعه‌ی این کتاب‌ها راهگشای شناخت عمل و دیدگاه‌های تربیتی در آموزش سه تن از بزرگان معاصر عرصه‌ی تعلیم و تربیت است. در شماره‌های بعدی به‌طور مفصل تک‌تک این کتاب‌ها را معرفی خواهیم کرد.



عنوان فیلم: هلیا

کارگردان: جلال نصیری هانیس

قالب: داستانی (بخش فرهنگیان)

مدت زمان: ۷ دقیقه

خلاصه‌ی فیلم

یکی از معلمان مدرسه از دانش‌آموزان کلاس خود می‌خواهد که نحوه‌ی تدریس، اخلاق و رفتارشان را نقد کنند و نظرات خود را روی کاغذ برای او بنویسند. همه‌ی دانش‌آموزان از معلم خود تعریف می‌کنند و خانم معلم از تعریف و تمجید دانش‌آموزان خوش حال می‌شود. در این میان، دانش‌آموزی به نام هلیا، براساس واقعیت، از روش تدریس او انتقاد می‌کند و معلم علیه او جبهه می‌گیرد.

مخاطب فیلم

این فیلم برای تماشای مدیران، معاونان، مربیان، دبیران و آموزگاران محترم مدرسه‌ها توصیه می‌شود.

کارگردان

جلال نصیری هانیس

متولد سنندج

فرهنگی شاغل در استان کردستان

دانشجوی دکترای پژوهش هنر در

دانشگاه اصفهان

آثار: گل‌های آفتاب‌گردان، کلاس تشکیل می‌شود، زمین فوتبال و ...

برنده‌ی جوایزی در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم رشد





راهکارهای افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام آزمایش‌های کتاب

در سطح جهان و ایران هیچ درسی به اندازه‌ی علوم تجربی دچار تغییر و تحول نشده است. دلیل آن نیز پیشرفت فزاینده‌ی علم و دانش است. از همین رو نباید در آموزش علوم تجربی به روش‌های قدیمی اکتفا کرد. درواقع، تدریس علوم تجربی به شیوه‌ی ریاضی باعث نابودی این علوم می‌شود. مثلاً هیچ‌گاه نمی‌توان با صرف سخن گفتن، مفهوم محلول و نامحلول را به دانش‌آموزان یاد داد. از این‌رو، باید امکان پژوهش علمی (ساده و پیچیده) برای دانش‌آموزان در مدرسه‌ها فراهم آید. افزون بر امکاناتی که باید در مدرسه‌ها ایجاد شود، لازم است معلم نیز برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام آزمایش تلاش کند تا بتوان بهترین نتایج را از آن گرفت. در این مقاله، چند راهکار برای حصول موفقیت بیشتر در این زمینه ارائه می‌شود.

۱. گروه‌بندی دانش‌آموزان

اتکا به فعالیت گروهی و مشارکت دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های پژوهشی و درسی، به‌عنوان عاملی در ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری، نقش مهمی ایفا می‌کند. بر همین اساس می‌توان آزمایش‌های علوم تجربی را با کمک دانش‌آموزان و با دسته‌بندی آن‌ها به‌صورت گروهی انجام داد.

وقتی خود دانش‌آموزان- با راهنمایی معلم- دست به آزمایش بزنند، با مراحل آن بیشتر آشنا می‌شوند و میزان یادگیری به‌طور قابل ملاحظه‌ای بالا می‌رود. از سوی دیگر، انجام آزمایش به‌تنهایی غالباً برای دانش‌آموزان ممکن نیست، لذا لازم است چند دانش‌آموز در قالب یک گروه به این امر اقدام کنند. همچنین، با توجه به اینکه در گروه وظایف تقسیم می‌شود و هر دانش‌آموز عهده‌دار یک بخش از آزمایش می‌شود، کیفیت انجام آزمایش بالا می‌رود.

به‌طور خلاصه، در این شیوه، درس برای دانش‌آموزان شیرین‌تر و جالب‌تر می‌شود، فهم بهتری پیدا می‌کنند و مهارت‌های انجام آزمایش در آن‌ها تقویت می‌شود.

۲. اختصاص امتیاز برای فعالیت‌های آزمایشگاهی

اختصاص امتیاز به انجام یک کار می‌تواند انگیزه و حس تلاش

دانش‌آموزان را برای رسیدن به هدف بالا ببرد. درواقع، با تشویق می‌توان بهترین استعدادهای خفته را بیدار کرد. اگر به فعالیت دانش‌آموزان در انجام آزمایش اهمیت داده شود و به این فعالیت نمره یا امتیازی اختصاص یابد، انجام آزمایش از صورت فعالیتی جنبی و اضافی خارج می‌شود و بیشتر مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. استفاده از این شیوه تنها مختص به دوره‌ی ابتدایی نیست، بلکه در همه‌ی دوره‌های تحصیلی می‌توان از آن بهره برد و دانش‌آموزان را به انجام آزمایش ترغیب کرد.

۳. گزارش‌نویسی از آزمایش توسط دانش‌آموزان

دانش‌آموزان با گزارش‌نویسی سعی می‌کنند دانسته‌ها و آموخته‌های خود از آزمایش را تبیین و تشریح کنند. انجام آزمایش، مهارت خوب دیدن و خوب فهمیدن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و بازگویی آن، مهارت خوب بیان کردن آن را. درواقع، گزارش‌نویسی مکمل انجام آزمایش است و همچنان که انجام آزمایش جنبه‌ی عملی و کاربردی آموزش علوم تجربی را دارد، گزارش‌نویسی به جنبه‌ی نظری آن می‌پردازد. افزون بر این، بسیار پیش می‌آید که دانش‌آموزان در حین انجام آزمایش می‌پندارند همه‌ی نکات را فرا گرفته‌اند و نقطه‌ی ابهامی باقی نمانده است، اما وقتی از آن‌ها خواسته می‌شود مطالب آموخته‌شده را بازگو کنند، در بیان بعضی نکات ناموفق می‌مانند. از اینجا دانسته می‌شود مطلب مهمی برای دانش‌آموزان وجود دارد. لذا بازگویی آزمایش به شناخت نقاط ابهام و سؤالات دانش‌آموزان کمک



می‌کند و باعث می‌شود معلم اشکالات آن‌ها را رفع کند.

۴. تهیه‌ی پوستر از فعالیت دانش‌آموزان

دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی روحیه‌ای حساس‌تر و لطیف‌تر از دانش‌آموزان دوره‌های بالاتر دارند. لذا هرگونه تشویق و توجه به فعالیت آن‌ها می‌تواند در انگیزه‌دهی به آن‌ها مؤثر باشد. تشویق و توجه به فعالیت دانش‌آموزان، تنها در قالب نمره و امتیاز کلاسی نیست، بلکه می‌توان در این باره از راه‌های دیگری نیز بهره گرفت.

برای مثال، اگر در حین انجام آزمایش از فعالیت‌های دانش‌آموزان عکس تهیه شود و سپس این عکس‌ها به‌صورت پوستر در آزمایشگاه یا کلاس نصب شود، دانش‌آموزان انگیزه‌ی بیشتری پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند کار خود را به صورتی جدی‌تر انجام دهند.

همچنین، می‌توان از روش‌های مشابه نیز استفاده کرد. تهیه‌ی فیلم از فعالیت آزمایشگاهی دانش‌آموزان در طول یک سال و کارهایی از این قبیل، افزون بر اینکه نقش انگیزه‌دهنده دارد، می‌تواند آرشویی از فعالیت‌های چندساله‌ی مجتمع آموزشی تشکیل دهد که هم کاربرد آموزشی دارد و هم می‌تواند در زمینه‌ی ایجاد فضای رقابتی و در نتیجه افزایش توجه دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت کار آن‌ها مؤثرتر باشد.

۵. پرسش‌محور بودن آزمایش

ذهن دانش‌آموزان، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، دریایی از پرسش است. اگر معلم بخواهد تنها نقش یک اطلاع‌دهنده را بازی کند و بدون

توجه به سؤالات دانش‌آموزان، مطالبی را صرفاً برای آن‌ها بازگو کند، کلاس درس جذابی نخواهد داشت و موجب خستگی دانش‌آموزان خواهد شد. شیوه‌ی پرسش‌محور در همه‌ی درس‌ها می‌تواند به افزایش مشارکت دانش‌آموزان و جذب آن‌ها به مباحث کمک کند. در علوم تجربی نیز باید از همین شیوه بهره گرفت.

بی‌شک، دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی سؤالات بسیاری درباره‌ی موضوعات این درس در ذهن خود دارند. اگر معلم آزمایش‌ها را به شیوه‌ی پرسش‌محور انجام دهد و همه‌ی مراحل آن را در قالب سؤال شروع کند و دانش‌آموزان را از این طریق به تفکر وادارد، توجه آن‌ها بیشتر به آزمایش جلب می‌شود و با نگاه دقیق‌تری به مراحل آن نظر می‌کنند.

بهتر است معلم از شیوه‌ای بهره بگیرد که طرح سؤال هم از جانب خود دانش‌آموزان باشد، چرا که در این صورت دانش‌آموزان در تمام مراحل انجام آزمایش حضوری پویا و فعال دارند و افزون بر طرح سؤال می‌کوشند پاسخ سؤالات خود را بیابند. دو ثمره‌ی دیگر این روش این است که اولاً دانش‌آموزان هر جا نقطه‌ی ابهامی ببینند، سؤال می‌کنند و ثانیاً سعی می‌کنند با طرح سؤالات جدید، مطالب دیگری هم یاد بگیرند. در این صورت، انجام آزمایش از قالب یک فعالیت ملال‌آور خارج و ساعت‌های آزمایشگاه به کلاسی فعال و بانشاط تبدیل می‌شود که هم برای معلم و هم برای دانش‌آموزان جذاب است.

نتیجه‌گیری

۱. گروه‌بندی دانش‌آموزان در انجام فعالیت آزمایشگاهی به مشارکت بیشتر آن‌ها و در نتیجه فهم بهتر و دقیق‌تر آزمایش و مراحل آن می‌انجامد.

۲. اختصاص نمره و امتیاز برای انجام فعالیت آزمایشگاهی، دانش‌آموزان را به حضور فعال‌تر در انجام آزمایش ترغیب می‌کند.

۳. دانش‌آموزان با گزارش‌نویسی از انجام آزمایش، علاوه بر خوب دیدن، تمرین خوب بیان کردن را نیز انجام می‌دهند. همچنین، اگر ابهامی برایشان پیش آمده باشد، به آن پی می‌برند.

۴. عکس گرفتن از انجام فعالیت آزمایشگاهی توسط دانش‌آموزان و تهیه‌ی پوستر از آن، نشانگر توجه معلم به فعالیت دانش‌آموزان است و در انگیزه‌دهی به آن‌ها بسیار مؤثر است.

۵. پیش بردن آزمایش با استفاده از سؤال و برانگیختن ذهن دانش‌آموزان به طرح سؤال، باعث بهبود کیفیت آموزش و جلب توجه و دقت دانش‌آموزان به آزمایش می‌شود.



راه اندازی يك كلاس دلبذير

زنگ خوشمزه

دانش آموزان توانایی های متفاوتی دارند. برخی در درک مفاهیم مجرد توانمندتر هستند و بعضی ارتباط را بهتر از دیگران کشف و درک می کنند. فعالیت های آموزشی در کلاس باید به گونه ای باشد که همه ی دانش آموزان، با هر توانمندی و هر نوع هوش و سبک یادگیری، بتوانند در آن به نوعی فعال و سهیم شوند. فعالیت های تلفیقی بستر مناسبی برای این موضوع هستند. در این مطلب قرار است یک فعالیت آموزشی را که با هدف تلفیق درس های ریاضی، علوم و آشپزی صورت می گیرد به شما معرفی کنم.

معرفی فعالیت

در کلاس سوم دبستان، بحث اندازه گیری مواد در علوم و کسرها در ریاضی، ما را به این فکر واداشت که به سراغ کارگاه آشپزی برویم. فعالیت هایی که قرار است دانش آموزان در کارگاه آشپزی انجام دهند عبارت اند از: اندازه گیری مواد؛ پخت و تقسیم کیک بین افراد کلاس.

شرح

از صبح که دانش آموزان وارد کلاس شدند، اعلام کردیم می خواهیم با هم کیک درست کنیم. برای اینکه آن ها را با آموخته های ریاضی و علومشان درگیر کنیم، از این فرصت استفاده کردیم و سؤالات خود را پرسیدیم:

- طبق دستور آشپزی، باید موادی را که در اختیار داریم، به طور دقیق اندازه بگیریم. برای اندازه گیری این مواد از چه وسیله ای باید استفاده کنیم؟

- هر کدام از این مواد جزو کدام دسته از حالت های ماده (مایع، جامد و گاز) هستند؟ و در کدام یک از گروه های مواد غذایی دسته بندی می شوند؟ در حین این فعالیت می توانیم به بحث همکاری نیز اشاره کنیم. برای همین، تقسیم کار کردیم (قرار شد دو نفر مسئول اندازه گیری مواد، سه نفر مسئول آماده کردن مواد کیک و دو نفر هم مسئول سرو کیک باشند). با همدیگر مواد کیک

را آماده کردیم و روی اجاق گاز گذاشتیم. کنار اجاق نشستیم تا روند پخت کیک را از نزدیک ببینیم. در حین پخت کیک، توجه یکی از دانش آموزان به بخاری جلب شد که روی سر کیک پز جمع شده بود. او این بخار را به باران تشبیه کرد. این موضوع بحث را به سمت دیگر مباحث مرتبط در علوم برد؛ مانند چرخه ی آب، تبدیل حالت های ماده و اینکه چه چیزی باعث می شود بخار آب به آب تبدیل شود. پخت کیک حدود یک ساعت طول کشید. در این یک ساعت کلی مطالب درسی را مرور کردیم و شخم زدیم.

بعد از آماده شدن کیک، کار اصلی ما شروع شد. قرار شد این کیک خوشمزه را بین بچه های کلاس تقسیم کنیم. فرصت را غنیمت شمردیم و مباحث ریاضی را پیش کشیدیم. از بچه ها سؤال کردیم کیک را باید بین چند نفر تقسیم کنیم؟ (کیک را بین ۹ نفر از معلمان و بچه ها تقسیم کردیم).

بعد از تقسیم کیک، از بچه ها پرسیدیم اگر بخواهیم کیک را بین ۱۸ نفر تقسیم کنیم (به گونه ای که بچه های کلاس دوم را هم شریک کیک خود کنیم)، چگونه تقسیم را انجام دهیم که به همه ی بچه ها قسمت های مساوی برسد؟ بچه ها گفتند باید هر کدام از ما کیک خود را به دو قسمت مساوی تقسیم کنیم. در همین حین یکی از بچه ها گفت، وقتی کیک را بین ۹ نفر تقسیم کردیم، به هر کدام از ما مقداری رسید و وقتی آن را بین ۱۸ نفر تقسیم کردیم، به هر کدام از ما مقدار کمتری می رسد. در این گفت و گوها تساوی

تولید انرژی و تبدیل آن

از انرژی برق برای تولید گرما استفاده می‌شود، چون کیک‌پز از فلز ساخته شده است، گرما را به تمام قسمت‌های ظرف انتقال می‌دهد.

مخلوط

بعضی از مواد مانند تخم‌مرغ و آرد بعد از هم زدن یکسان می‌شوند و قابل دیدن نیستند و جداسازی آن‌ها تقریباً غیرممکن است، اما وقتی دانه‌های کنجد را وارد مخلوط کیک می‌کنیم، دانه‌ها قابل رؤیت هستند و با کمی تلاش می‌توان آن‌ها را جدا کرد.

حواس پنجگانه و مزه‌ها

حس بویایی: پخش شدن بوی کیک در فضا؛ حس لامسه: نرم بودن آرد و زبر بودن بکینگ پودر؛ حس چشایی: مزه‌ی مواد؛ بینایی: دیدن شکل مواد و تفاوت آن‌ها با یکدیگر، کف کردن تخم‌مرغ بعد از هم زدن و تغییر رنگ کیک.

نیروها

وارد کردن نیرو به تخم‌مرغ و شکستن آن؛ وارد کردن نیرو به همزن برای مخلوط کردن مواد و تغییر شکل مواد؛ وارد کردن نیرو برای برداشتن وسایل؛ ریختن مواد کیک داخل کیک‌پز در اثر نیروی جاذبه.

کار با وسایل و شناخت آن‌ها: استفاده از همزن و کیک‌پز

تغییر حالت ماده

مایع کیک بعد از مدتی به کیک تبدیل شد (تبدیل مایع به جامد مانند انجماد). دانه‌های شکر نیز در مخلوط کیک حل شد.

گروه‌های مواد غذایی.

جانوران: تخم‌مرغ و تخم‌گذار بودن بعضی جانوران.

آشپزی: استفاده از کیک‌پز و همزن، چگونگی پخت کیک، ترفند پف کردن کیک، نحوه‌ی نگهداری از مواد غذایی.



کسرهای و مقایسه‌ی کسرهای نیز مرور شدند.
حین خوردن کیک، بچه‌ها با مربی به مرور مراحل پخت کیک پرداختند. با هم‌فکری تصمیم گرفتیم اسم این فعالیت را کلاس خوشمزه بگذاریم.
در این فعالیت جذاب و خوشمزه، علاوه بر مباحث علوم و ریاضی، موضوعات زیر نیز مرور شدند:

مطالعات اجتماعی

همکاری (تقسیم کار برای استفاده‌ی بهینه از زمان)؛ ایمنی کار (کار با کیک‌پز)؛ درست مصرف کردن (به اندازه برداشتن مواد).

علوم

اندازه‌گیری مواد: واحد اندازه‌گیری جامدات (گرم) و وسیله‌ی اندازه‌گیری آن (ترازو)؛ واحد اندازه‌گیری مایعات (لیتر)؛ مایعات با ترازو قابل اندازه‌گیری نیستند، زیرا در ظرف پخش می‌شوند.

حالت‌های ماده

درک حالت‌های جامد و مایع با مواد خوراکی در اختیار. با پخش شدن بوی کیک در فضا به‌وجود هوا پی بردیم و فهمیدیم مولکول‌های داخل فضا باعث می‌شوند بو در فضا پخش شود (گاز).



مناسبت‌ها: مهر ۹۸

۳ مهر: شهادت امام زین‌العابدین (ع)، به روایتی

امام سجاد (ع) در واقعه کربلا حضور داشت ولی به علت بیماری، در جنگ شرکت نکرد. لشکر عمر بن سعد پس از شهادت امام حسین (ع) او را همراه اسیران کربلا به کوفه و شام بردند. خطبه امام سجاد (ع) در شام باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت شد. واقعه حره، نهضت توابعین و قیام مختار در زمان امام سجاد (ع) روی داد. مجموعه ادعیه و مناجات امام سجاد (ع) در کتاب صحیفه سجاده گرد آمده است. رساله الحقوق، رساله‌ای کوچک درباره تکالیف بندگان در برابر خدا و خلق خدا، منسوب به اوست. برخی شهادت آن حضرت را دوازدهم محرم و برخی بیست و دوم همین ماه ذکر کرده‌اند. کفعمی در مصباح می‌نویسد: حضرت روز شنبه بیست و دوم محرم سال ۹۵ هجری با زهری که به دستور هشام بن عبدالملک به ایشان خوراندند مسموم شد. مشهور بین اصحاب این است که ولید بن عبدالملک به تحریک برادرش هشام بن عبدالملک امام (ع) را مسموم کرد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: علی بن الحسین در ۵۷ سالگی در سال ۹۵ هجری وفات یافت و بعد از امام حسین علیه‌السلام ۳۵ سال زندگی کرد. به هنگام تشییع و دفن آن بزرگوار انبوهی از مردم فراهم آمدند که مدینه مانند آن را کمتر دیده بود. مدفن آن حضرت قبرستان بقیع در کنار عموی بزرگوارش امام حسن علیه‌السلام و فرزندان‌ش امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام است.

۵ مهر: روز جهانی جهانگردی

هدف از گرامیداشت چنین روزی، بالا بردن سطح آگاهی در مورد نقش جهانگردی و گردشگری در جامعه‌ی جهانی و نشان دادن چگونگی تأثیر گردشگری بر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان است.

۷ مهر: روز آتش‌نشانی و ایمنی

در روز ۷ مهر ۱۳۵۹، وقتی دشمن بعثی به پالایشگاه آبادان حمله‌ی هوایی کرد، آتش‌نشانان منطقه و شهرهای اطراف برای مهار آتش به پالایشگاه رفتند. متأسفانه در حین عملیات خاموش کردن آتش، هواپیماهای دشمن دوباره پالایشگاه را بمباران کردند. این فرایند به شهادت تعداد زیادی از آتش‌نشانان منجر شد.

۷ مهر: سال‌گشت شهادت جمعی از فرماندهان دفاع مقدس

● سقوط هواپیمای حامل جمعی از فرماندهان دفاع مقدس (کلاه‌دوز، نامجو، فلاحی، فکوری و جهان‌آرا) در سال ۱۳۶۰ پرواز هرکولس سی-۱۳۰ نیروی هوایی ارتش ایران از اهواز به مقصد تهران در تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۶۰، در نزدیکی تهران سقوط کرد. گروهی از برجسته‌ترین فرماندهان نیروهای مسلح در این حادثه شهید شدند. هشت سال دفاع مقدس، آزمونی بزرگ برای اثبات قدرت ایمان، حقانیت و پایداری پیروز ملت ایران است. روزهای حساس و سرنوشت‌ساز دفاع

۸ مهر: روز بزرگداشت مولوی

مولوی یکی از تأثیرگذارترین عالمان اسلامی در پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن جهان اسلام بوده است. مثنوی معنوی او حاوی عالی‌ترین اشعار زبان فارسی به‌شمار می‌رود. از آنجا که زبان مادری وی پارسی بوده است، مولوی بیشتر آثارش را به زبان فارسی نوشته است.

۸ مهر: روز جهانی ناشنوایان

هشتم مهر هر سال، برابر سی‌ام سپتامبر، «روز جهانی ناشنوایان» نام‌گذاری شده است. هدف از این نام‌گذاری، ارتقای فرهنگ ارتباط با ناشنوایان، دانسته‌هایی از زبان اشاره و آگاهی سیاست‌مداران و همچنین عموم مردم از مشکلاتی است که این قشر با آن روبه‌رو هستند.

۹ مهر: روز جهانی سالمندان



مقدس، سرشار از حماسه‌آفرینی‌ها و سلحشوری‌های بهترین و دلاورترین فرزندان این امت است. دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های عینی است که مفهوم عینی - عملی مقاومت را شکل داده است. نظام جمهوری اسلامی ایران زمانی توانست قدرت رژیم بعثی را از بین ببرد که «مقاومت» را به عنوان مدل عملی سیاست‌ورزی خود تعریف کرد. اگر تمام جنگ تحمیلی در یک خرده گفتمان خلاصه شود، آن خرده گفتمان «مقاومت» است.



۲۷ مهر؛ اربعین حسینی

اربعین، فقط روزی از روزهای سال نیست، بلکه آیینی است در برابر چشمان میلیون‌ها انسان متعهد که در آن تصویری از نهضت و قیام خونین محرم نقش می‌بندد. اربعین، روز با شکوهی است که از خون حسین (ع)، حیات گرفت و نقطه آغاز تبلیغ آرمان کربلا از طریق اشک شد؛ چرا که در این روز، نخستین مجلس عزاداری برای اباعبدالله (ع) و تبلیغ آرمان آن حضرت در کنار تربت‌شهر برپا شد.

مشهور است اسیران کربلا روز ۲۰ صفر سال ۶۱ ق در بازگشت از شام، برای زیارت مدفن امام حسین (ع)، به کربلا آمده‌اند. همچنین، **جابر بن عبدالله انصاری** که از صحابه‌ی پیامبر اسلام (ص) است، به عنوان نخستین زائر امام حسین (ع) شناخته می‌شود. او در اولین چهلیم شهادت امام حسین (ع)، یعنی ۲۰ صفر سال ۶۱ ق، به همراه عطیه عوفی به کربلا آمد و قبر امام حسین (ع) را زیارت کرد.

زیارت اربعین از اعمال خاص این روز است و بنا بر روایتی از **امام حسن عسکری (ع)**، از نشانه‌های مؤمن دانسته شده است. بیستم ماه صفر در کشورمان تعطیل رسمی است. شیعیان در این روز برای شهادت امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند. چند سالی است، راهپیمایی اربعین به سوی کربلا، به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مراسم عزاداری شیعیان جهان تبدیل شده و در زمره‌ی بزرگ‌ترین اجتماعات مذهبی جهان قرار گرفته است. بیشترین زائرانی که در اربعین از دیگر کشورها به عراق می‌روند، از ایران هستند.

۱۳ مهر؛ روز نیروی انتظامی

تأمین امنیت، تحکیم نظم و اجرای قانون و عدالت از مهم‌ترین ارکان ثبات و سلامت نظام اجتماعی و سیاسی است. در کشور ما بخش عمده‌ی این وظیفه بر عهده‌ی نیروی انتظامی است.



۲۰ مهر؛ روز جهانی حافظ

بیستم مهرماه روز بزرگداشت حافظ است. در این روز، به‌خصوص در شیراز و البته در سایر نقاط جهان جشن‌ها و برنامه‌های متنوعی برگزار می‌شوند. عمده برنامه‌های این روز شامل شب شعر، گل افشانی آرامگاه حافظ، و نمایش و رونمایی از دیوان‌های شعر حافظ است.



۲۲ مهر؛ روز جهانی استاندارد

۲۳ مهر؛ روز جهانی عصای سفید

۲۵ مهر؛ روز جهانی ریشه‌کنی فقر

۲۶ مهر؛ روز تربیت بدنی و ورزش

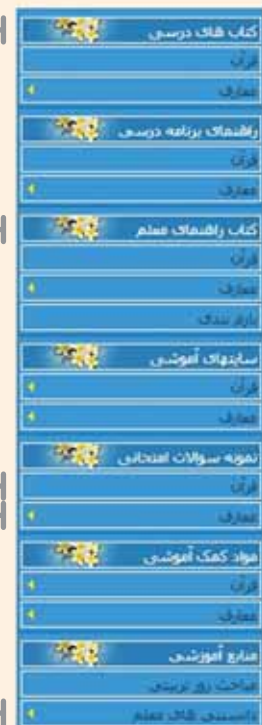
هفته‌ی تربیت بدنی همه ساله از ۲۶ مهر تا دوم آبان، به منظور آشنایی جامعه با اهمیت و اثرات کاربرد ورزش در زندگی فردی و اجتماعی، اشاعه و توسعه و ترویج ورزش در خانه و خانواده، و هدایت و ارشاد جامعه به ورزش‌های همگانی برگزار می‌شود.

سایت‌های مورد نیاز معلمان

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای ارتباط با معلمان محترم و همچنین به‌عنوان یاور و همراه حرفه‌ای معلمان، سایت‌هایی را طراحی کرده است؛ ۲۴ سایت تعاملی که به جز سایت اصلی، ۲۳ سایت دیگر به گروه‌های آموزشی مربوط‌اند. اهم مطالب موجود در سایت‌ها شامل اخبار، نسخه‌ی الکترونیک کتاب‌های درسی، کتاب کار و کتاب معلم، راهنمای برنامه‌ی درسی، بارم‌بندی، فیلم‌های آموزشی مختص دانش‌آموز و معلم، فیلم‌های راهنمای تدریس، محتوای مختص اولیا، مدیران و دانشجو-معلمان، کتاب گویا، مقالات، معرفی کتاب، نرم‌افزارهای آموزشی، پرسش و پاسخ‌هاست. امسال، در هر شماره، چند سایت مخصوص دوره‌ی ابتدایی را به تدریج معرفی می‌کنیم.

قرآن و معارف اسلامی

کتاب‌های درسی | آرشید اخبار | نقشه سایت | پرسش و پاسخ



<http://quran-dept.talif.sch.ir>

مخاطبان می‌توانند سؤالات، نظرات و انتقادهای سازنده‌ی خود را در زمینه‌های برنامه‌ی درسی قرآن و معارف، کتاب‌های درسی و... برای این گروه بنویسند. کارشناسان گروه پاسخ‌گوی ایشان هستند.

● نسخه‌ی الکترونیک کتاب‌های درسی بر اساس آخرین تغییرات کتاب‌ها

● نسخه‌ی الکترونیک کتاب‌های راهنمای معلم قرآن و معارف اسلامی

نرم‌افزار

کتاب

فیلم‌های راهنمای معلم

فیلم‌های آموزشی

فایل صوتی

مجلات رشد

نگارخانه

نرم‌افزار

کتاب

فیلم

فایل صوتی

ابتدایی

دانش‌افزایی

● مفاهیم آموزشی

● طراحی آموزشی

● راهبردهای یاددهی-یادگیری



صفحه اصلی	نقشه سایت	پژش و پاسخ
عناوین		
درباره گروه		
تازه ها		
مواد آموزشی		
مواد کمک آموزشی		
ارزشیابی		
شمایشها		
پیوندها		
آلبوم نویسندگان و شاعران		
شیوه نامه ی تصحیح املا ی فارسی		
فهرستگان رشد		
مشاهیر ادبی		
نامه های بزرگان		

http://literature-dept.talif.sch.ir

● نسخه ی الکترونیکی
کتاب های درسی بر اساس
آخرین تغییرات کتاب ها

درسی

کتاب ها

● نسخه ی
الکترونیکی کتاب های
راهنمای معلم فارسی

راهنمای معلم

● فایل صوتی درس به درس کتاب های هر پایه

کتاب گویا

● کتاب های منبع
● نسخ خطی

کتاب غیر درسی - معرفی

● علمی و پژوهشی
● آموزشی

مقالات

● شیوه ها و توصیه های ارزشیابی

بارمبندی

اهداف آموزشی

● زندگی نامه
● آلبوم تصاویر

● فیلم های دوره های ضمن
خدمت برفراز آسمان

کتاب های گویا

تلاوت های درسی

آموزش نماز

تواشیح (نوا و نما)

صفحه‌ی همراهان، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماهنامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده است.

- ۱ فاطمه مریدی؛ آموزگار - استان کرمان، شهرستان سیرجان
«روش تدریس درس علوم ابتدایی»
- ۲ سیده محبوبه توفیقی نسب؛ آموزگار - استان کهگیلویه و بویر احمد
«خاطره‌ی نخستین روز تدریس»
- ۳ شیما آقاخانی؛ آموزگار - مشهد
«عصر دشوار آموزگار بودن»
- ۴ سهیلا مظاهری، فاطمه خودجوصفت؛ آموزگار - پردیس
«پرچم ایران»
- ۵ اشرف سادات حسینی؛ آموزگار - تهران
«تجربه‌ی آموزش املا»
- ۶ گلاله سعدپناه؛ آموزگار - سنندج
«تجربه‌ی تغییر شیمیایی»
- ۷ محمود محمدی، حمداله محمدی؛ معاون آموزش ابتدایی - زنجان
«درس پژوهی چه چیز نیست؟»
- ۸ فاطمه ابوترابی؛ آموزگار - شهرستان شاهرود، استان سمنان
«اختلال یادگیری ریاضی در مدرسه»
- ۹ پروین حبیبی منش؛ آموزگار
«خاطره‌ی روز اول تدریس»
- ۱۰ داود سلیمانزاده ممقانی؛ راهبر آموزشی
«تجربه‌ی تصمیم حساس»
- ۱۱ فاطمه رهبری؛ آموزگار - استان مازندران، شهرستان آمل
«آموزگار سیصد دانش آموز (ارتباط اثربخش)»
- ۱۲ فاطمه رهبری، محبوبه حسینی شریفی؛ آموزگار - استان مازندران، شهرستان آمل
«ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در دانش‌آموزان بر اساس رویکرد آموزش پژوهش‌محور»
- ۱۳ زهره اولیائی، فرنوش سادات اولیائی؛ کارشناس ارشد تعلیم و تربیت، مهندس کامپیوتر - اصفهان
«قصه و قصه‌گویی، ابزاری برای بهبود روابط انسانی دانش‌آموزان» «کرامت، محور تعلیم و تربیت اسلامی»
- ۱۴ مریم اقدامی؛ آموزگار - تهران
«یک روز پرخطره و تجربه‌ای نو برای من و دانش‌آموزانم»
- ۱۵ زهراسادات سیدطاهرالدینی؛ آموزگار - قرچک
«داستان صداقت چشم‌هایت»

اسامی برگزیدگان مسابقه‌ی دوره‌ی قبل

در دوره‌ی بیست‌ودوم از شما معلمان محترم خواستیم تا طرح‌ها و فعالیت‌های خود را در زمینه‌ی استفاده از مناسبت‌های تقویم برای ما بفرستید تا به بهترین‌ها جایزه بدهیم. برای برگزیدگان، هدیه و تقدیرنامه‌ای به امضای مدیر کل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی در نظر گرفته شده است که تا پایان دی ماه سال ۱۳۹۸ به نشانی اعلام‌شده‌ی آنان فرستاده خواهد شد.

زهرادستان / روستای باده جان، شهرستان فریدن، استان اصفهان
صدیقه کابلی / استان گلستان، شهرستان گرگان
آذر رحیمزاده / منطقه‌ی اشترینان، استان لرستان

احمد رضا کریمی



حیات و حیات

حیات مدرسه نوعی دیگر از زیستگاه دانش آموز است. بخشی از عمر هر دانش آموزی، هر چند کوتاه تر از کلاس درس، در حیات مدرسه می گذرد. حیات مدرسه باید جای مناسبی برای زیستن باشد؛ ایمن و امن، راحت و دلگشا، زیبا و دلنشین. بچه ها بخش مهمی از مهارت های زندگی خود را در حیات مدرسه تمرین می کنند. حواسمان به حیات مدرسه باشد.

سعید رضا مقصودی



احمد رضا کریمی



فاطمه طغری نگار



غلامرضا ساری



بهزاد نعمتی



امین رحمانی



حجت‌اله عطایی



منصوره معتمدی





در سایه‌سار آموزش